

تحلیل بنیادی

Fundamental Analysis

تدوین گر: خلیل رحمانی
تحلیلگر بازارهای مالی بین الملل

۰۹۱۷۴۱۴۷۲۳۹

۰۹۳۶۲۶۰۲۰۳۶

دانسته های یک تریدر فاندامنتالیست (بنیادی)

تریدر یا معامله گر کیست؟

معامله گر کسی است که به خاطر شغلش یا کسب درآمد در بازارهای مختلف دست به مبادله می زند
کسب درآمد از هر حرفه ای نیازمند **دانش و تخصص** کافی است

در بازار تبادلات ارزی سه عامل کلیدی بصورت کلان برای به سود رسیدن در بازار مورد نیاز است
(الف) دانش

ب) مدیریت معاملات

ج) نگرش، روانشناسی و تجربه

دانش به سلسه مباحثی در بازار مبادلات ارزی اطلاق می شود که بوسیله آن بتوان توضیحات و پیش بینی های آزمایش شدنی را برای کسب سود
به کار برد

تحلیل تکنیکی

تحلیل بنیادی

تحلیل بین بازاری

تحلیل انتظارات

الف) دانش

دو بخش تکنیکی(تکنیکال) و بنیادی (فاندامنتال) به صورت بررسی های کلاسیک طبقه بندی می شوند و در کنار آنها در طول چند دهه اخیر دو
بخش جدید از تحلیل های کلاسیک مشتق شده است. از تحلیل بنیادی شاخه ای با نام تحلیل بین بازاری به وجود آمده است و از تحلیل تکنیکی
شاخه ای به نام تحلیل انتظارات ایجاد شده است

تحلیل تکنیکی

تحلیل تکنیکی مطالعه رفتار بازار بر اساس تغییرات قیمت در گذشته، برای پیش بینی تغییرات قیمت در آینده است
مهם ترین ابزار تحلیل گران تکنیکی نمودارها و نماگرهای آنها است. تحلیلگران تکنیکی سه عقیده پایه ای دارند

(الف) همه چیز در قیمت، لحاظ شده است. هر آنچه که به لحاظ بنیادی بر عرضه و تقاضا اثر گذار باشد در داخل قیمت دیده می شود

ب) قیمت بر اساس روند حرکت می کند

ج) تاریخ تکرار پذیر است

تحلیل بنیادی

تحلیل بنیادی به بررسی، تجزیه و تحلیل عوامل و اخبار اقتصادی، سیاسی-اجتماعی و بحران هایی می پردازد که بر عرضه و تقاضای ارز اثر دارند و
بدینوسیله نرخ هدف، جهت و ارجحیت معامله گران بازار را مشخص می کند تحلیل گران بنیادی دو هدف مهم را دنبال می کنند

(الف) بر اساس تئوری ها، نرخ تعادلی جفت ارز مورد نظر کجاست

(ب) ریسک های جاری و آینده بازار ارز چگونه است

تحلیل بین بازاری

تحلیل بین بازاری به بررسی و پیش بینی بازارهای جانبی سهام، کالا، اوراق قرضه و ارز از طریق تحلیل بنیادی، تکنیکی یا انتظارات می‌پردازد تا بدینوسیله جریان سرمایه بین بلنارها برآورد شود و در نتیجه از روی عرضه و تقاضا روند و جهت حرکتی بازار هدف پیش بینی شود اولویت اهداف تحلیل گران بین بازاری عبارت است
الف) بازارها با یکدیگر در ارتباط هستند

ب) تحلیل بین بازارها بررسی عوامل و اطلاعات خارج از بازار است (ریسک سیستماتیک)
ج) تحلیل بین بازاری به تنها یی در مورد جریان آینده یک بازار قضاؤ نمی‌کند اما پایه ای برای جریان سرمایه است

تحلیل انتظارات

از آنجا که در هر بازاری عرضه و تقاضا برای دو هدف استفاده از کالا یا سوداگری جابه جا می‌شود و در بازار تبادلات ارز پیش بینی می‌شود قسمت عمده مبادلات به قصد سوداگری است. از اینرو می‌توان انتظار داشت که بازیگران بزرگ بازار به دنبال انحصاری کردن بازار برای خویش هستند تحلیل انتظارات به بررسی شرایط مبادلاتی معامله گران خرد و کلان در کنار هم می‌پردازد و در واقع نحوه رفتار یا حداکثر سازی سود معلمه گوان اصلی هر بازاری مدل می‌شود. تحلیلگران انتظارات سه عقیده پایه ای دارند:

الف) هیچ بازاری شرایط رقابت کامل و شفافیت را نمی‌تواند داشته باشد
ب) معامله گران خُرد مشخص کننده جریان بازار نیستند
ج) معامله گران کلان به دنبال حداکثر سازی سود بوسیله خارج کردن معامله گران خُرد هستند.

ب) مدیریت معاملات

مدیریت معاملات به شرایطی که معامله گر در آن از طریق تحلیل به دنبال حداکثر کردن سود با کمترین ریسک بوسیله مدیریت تعداد و حجم مبادلات است گفته می‌شود

ج) نگرش، روانشناسی و تجربه

این بخش از مباحث کلان معامله گری در واقع به فرایند ذهنی و درونی معامله گران می‌پردازد که چگونه رفتار مالی ایشان منجر به سود و زیان می‌شود.

تحلیل ذهنی

به مسائل روانشناسی بازار و فرد برمی‌گردد. این قسمت با یک مثال بررسی خواهیم کرد شما یک پوزیشن فعل دارین، با حد ضرر و حد سود مشخص، قبل از باز کردن معاملات روی شما هیچ استرسی وارد نیست چون سرمایه ای درگیر هیچ معامله ای نیست اما بعد از باز شدن پوزیشن مسائل ذهنی پدیدار می‌شود.

هنگامی که قیمت به سمت حد ضرر شما پیش روی می‌کند شما یا کاملاً صبر می‌کنید و یا اینکه ممکن است حد ضرر را جابه جا کنید اما بلعکس فاری که قیمت به سمت حد سود شما حرکت می‌کند، در ذهن خود فکر می‌کنید که شاید همین قدر سود که بدست آورده از دست بدھید و معامله رو دستی بینید یا اینکه حد سود رو جابه جا کنید

تمام تحلیل ها به شما یک الگوی میدهند اما هیچ گونه راه حلی برای افکار ما ندارند داشتن نظم و دیسپلین کاری از جمله اقداماتی است که ما در این بخش تحلیل باید انجام دهیم.

این ۵ نوع تحلیل اگر با یکدیگر ترکیب گردد قطعاً موقیت حاصل خواهد شد

- هدف اصلی ما سوداگری است نه سرمایه گذاری (به معاملات کمتر از سه ماه را ، معاملات سوداگری میگویند)
- بازار هدف را بشناسیم (ارز ، سهام...)
- تحلیل بازار را بدانیم(اعم از تکنیکی یا بنیادی...)
- نگرش درست به بازار داشته باشیم
- مدیریت معاملات و نظم در بازار پیاده کنیم.

شش سوال اساسی که قبل از آغاز معامله باید به آنها پاسخ داده شود

در کنار مباحث کلان شما باید به شرایط هر معامله و مباحث مربوط به آن اشراف کامل داشته باشید به سلسله مباحثی که با جزئیات کامل شرایط ایجاد، انجام و مدیریت هر معامله را تا رسیدن به سود انتظاری محقق می کند مباحث خُرد معامله گری گفته می شود

برای انجام هر معامله نیاز است که به **شش سوال کلیدی** بطور کامل **قبل از آغاز معامله** پاسخ دهید؛ در صورت پاسخ ناقص یا اهمیت ندادن به هر یک از سوالات زیر با اینکه شاید بر حسب شانس و اقبال آن معامله به سود برسد اما بقید و شرط احتمال منفی شدن برآیند معاملاتی حساباتان بسیار زیاد است. این شش سوال که بسیار در مورد آنها صحبت خواهیم کرد در پست های بعدی تشریح خواهد شد

سوال اول:

-چه دارایی برای سوداگری(1) انتخاب شود؟

از آنجا که بازار هدف ما بازار تبادلات ارز است می توان سوال فوق را اینگونه پرسید که چه جفت ارزی برای معامله مناسب است؟ برای احتمام معامله می توان جفت ارزهای مختلفی را انتخاب کرد، آیا تا به حال فکر کرده اید چرا "راند" آفریقای جنوبی به "لیر" ترکیه مبادله نمی کنید یا چرا هیچ وقت سراغ دلار سنگاپور نمی روید!!!؟ دلیل واضح است چون این ارزها شرایط مناسب ریسک و کارمزد را ندارند در بازار ارز دو روش کلی برای انتخاب جفت ارز وجود دارد....

1-1 انتخاب دارایی ثابت (جفت ارز ثابت و همیشگی)

در این روش معامله گر بر یک تا حداقل سه جفت ارز مرکز می شود، قسمت عمده مبادلات وی را همین جفت ارزها می سازند تا وی اصطلاح به شرایط، ریسک و تحلیل آن جفت اشراف پیدا کد. این روش برای معامله گران تازه کار یا کسانی که وقت کمتری برای تحلیل و بررسی بازار دارند بیشتر پیشنهاد می شود.

در این روش برای انتخاب جفت ارز ایده آل باید به دو نکته کلیدی توجه داشت: **کارمزد پایین و نقد شوندگی بالای آن جفت ارز و مشخص بودن ریسک های مربوط به آن جفت ارز**

از این دو بحث به این نتیجه می رسیم ترجیحاً جفت ارزی در روش ثابت انتخاب شود که دلار آمریکا در یک سمت آن وجود داشته باشد و در عین حال ارز روبروی دلار یک ارز با عرضه و تقاضای بالا باشد این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که جفت ارزهایی که یک سمت آنها دلار قرار دارد کارمزد و اسپرید کمتری دارند و در عین حال، اخبار اطلاعات، گزارش ها و در کل ریسک آنها قابلیت بررسی ساده تری را دارند (۲)

۱-۲ انتخاب دارایی بر اساس بازدهی

در این روش معامله گر بر اساس **بازدهی و ریسک**، جفت ارز مناسب برای معامله کردن را انتخاب می کند^(۳)

اگر بخواهیم با یک مثال تفاوت این دو قسمت را روشن کنیم روش دارایی ثابت به مانند ماهی گیری همیشگی در یک رودخانه یا برکه است و روش دوم به مانند بررسی رودخانه ها و برکه های مختلف در ابتدای روز از طرف معامله گر است تا مشخص کند کدام رودخانه ماهی بیشتری دارد و سپس جفت ارز مورد نظر خود را انتخاب کند.

(1) سوداگر کسی است که هدف سرمایه گذاری برای بلند مدت یا استفاده از کالای خریداری شده را ندارد، بلکه هدف وی کسب سود از جابجایی ارزش آن دارایی مورد مبادله در کوتاه مدت یا میان مدت است.

(2) توصیه می شود دوستانی که می خواهند از روش اول استفاده کنند **حداکثر** دو یا سه جفت ارز از بین جفت ارزهای اصلی را انتخاب کنند در عین حال به این نکته توجه داشته باشند که جفت ارزهای انتخاب شده ریسک همبسته از دیدگاه بنیادی نداشته باشند

(3) توضیح این روش مربوط به مباحث بنیادی است.

سوال دوم:

-جهت : جفت ارز به کدام سمت و سو میرود (بر اساس فاندامنتال)

این سوال، **سوالی بسیار کلیدی** و اساسی برای معامله است. با اینکه در بازار جهت های صعودی و نزولی(در عین حال رو به جلو) فقط وجود دارد، پس چه می شود که بیش از ۹۰ درصد تازه واردتها سرمایه خود را می بازنده اصلی ترین دلیل زیان بسیاری از معامله گران این است که بسیاری از معامله گران به درستی نمی توانند به این سوال مهم پاسخ صحیح دهند نکته جالب این است که اگر سایر سوال ها پاسخ اشتباه داشته باشند ولی این سوال جواب صحیحی داشته باشد احتمال زیان در معامله بسیار اندک است پس از مباحث مقدماتی به تفصیل در مورد این سوال صحبت خواهیم کرد و ابزارهای مورد استفاده را کاملا توضیح می دهیم

سوال سوم:

-قیمت ورود به معامله :

پس از اینکه جهت و روند اصلی بازار در سوال قبل پاسخ داده شد نیاز است که بهترین قیمت آغاز معامله انتخاب شود دقت شود که فقط به دلیل پاسخ به سوال **جهت** نمی توان به معامله پرداخت. بلکه نیاز است که در کنار جهت، قیمت مناسب نیز انتخاب شود. تمثیلی که در این مورد بکار برده می شود مثال خرید یک کالا در بازارهای سنتی است... آیا با این فرض که شما از کالایی خوشتان بباید و نسبت به آن مطلوبیت داشته باشید حاضر هستید هر قیمتی که فروشندۀ درخواست کرد را بپردازید؟ غریب به یقین جواب این سوال خیر است، بلکه پس از تمایل به تقاضا، قیمت پیشنهادی را با قیمت مطلوب بازار مقایسه می کنید سپس تا حد امکان با فروشندۀ بر سر قیمت مذاکره می کنید و در نهایت آن کالا را خریداری می کنید. عین همین مثال در مورد معاملات بازار ارز نیز باید رعایت شود. بدین معنی که به دلیل تشخیص یک جهت و روند اجازه ندارید در هر قیمتی مبادله کنید.

از سه دستور برای این امر استفاده میشود (مارکت اردر ، استاب اردر، لیمیت اردر)

مارکت اردر: عقیده داریم بازار از همین جا به سمت جهت پیش بینی کرده ایم پیش خواهد رفت

استاب اردر: زمانی که جهت از رنج خارج شود و اطمینان کامل نداشته باشیم (که هیچ وقت در بازار ما اطمینان کامل نداریم)

لیمیت اردر: در قیمت بهتر از قیمت حاضر معامله کنیم.

سوال چهارم:

-**قیمت خروجی** : حد سود (Take Profit) و حد ضرر (Stop loss) ما کجاست؟

این سوال به این موضوع می پردازد نقطه خروجی مناسب از معامله در چه مکانی است این سوال خود به دو بخش تقسیم می شود، حد زیان کجاست؟ حد سود انتظاری کجاست؟ یعنی اگر بازار در جهت مورد پیش بینی حرکت کرد در چه جایگاهی انتظار از سود و معامله، برآورده می شود و اگر بازار در خلاف جهت حرکت کرد در چه جایگاهی زیان را باید پذیرفت و از معامله خارج شد وقت شود به مانند سوال های قبلی جواب این سوال نیز باید قبل از آغاز معامله داده شود و در هیچ صورتی مجاز نیستید معامله ای را آغاز کنید و سپس در مورد این سوال فکر کن!!!

سوال پنجم:

-**تعداد معاملات و حجم مناسب چقدر است؟**: دیدگاه های مختلفی مطرح هست (کلاسیک ، سود مرکب...)

مقدار حجم بهینه برای معامله و به نوعی تعداد ایده آل معاملات در این سوال پاسخ داده می شود این سوال در واقع با مباحث کلان مدیریت معاملات ارتباط تنگاتنگی دارد تا بهترین نتیجه از تحلیل و پیش بینی بدست آید

سوال ششم:

-**زمان**:

این سوال نیز به دو سوال فرعی تقسیم بندی می شود، چه زمانی معامله آغاز شود؟ تا چه زمانی معامله باز بماند؟ سوال اول این قسمت با فرض ثابت بودن قیمت در جایگاه مناسب انتخاب شده زمان مناسب برای معامله را بوسیله ابزارهای خاص مشخص می کند در کل زمانی که بیشترین احتمال را میدهیم جهت به همان سمت که پیش بینی کرده ایم میرود و قسمت دوم این سوال مشخص می کند تحلیل آن معامله تا چه زمانی می تواند صحیح باشد که بتوان آن معامله را باز نگه داری کرد تا زمانی که کارکرد تحلیلی ما وجود داشته باشد پس معامله میتواند باز بماند.

منحنی عرضه و تقاضا

* **نمودار تقاضا**: شامل نقاطی از نرخ میشود که تقاضا برای مقدار معینی از کالا وجود دارد. به صورت عامیانه مکان هندسی مقادیر مختلفی از کالا که مصرف کننده در یک دوره زمانی معین در قیمتها مخالف حاضر به خرید و مصرف میباشد

نکته: سلیقه فرد و میزان تمایل وی به مصرف کالا موقعیت منحنی تقاضا و شبیه آن را متأثر می سازد

نکته: در صورت افزایش تمایل به مصرف کالای X منحنی تقاضا به بالا و سمت راست منتقل می شود

نکته: میزان تقاضای فرد از هر کالا تابعی از انتظارات وی نسبت به آینده می باشد به طورمثال: اگر فرد انتظار افزایش قیمت کالای X را در آینده باشد میزان مصرف وی در زمان حال افزایش می یابد و منحنی تقاضا به بالا منتقل می شود

* **نمودار عرضه**: شامل نقاطی در نرخ میشود که عرضه برای مقدار معینی از یک کالا وجود دارد به صورت عامیانه مکان هندسی مقادیر مختلفی از کالا است که تولیدکننده در یک دوره زمانی معین در قیمتها مخالف حاضر به تولید و ارائه به بازار می باشد(مقدار کالایی است که بنگاه در دوره زمانی معین در قیمت جاری حاضر به تولید و ارائه به بازار می باشد.)

نکته: هر آنچه که بر سود بنگاه تاثیر گذارد بر مقدار عرضه بنگاه مؤثر می باشد
قیمت

قیمت عوامل تولید (نهاده)
تکنولوژی

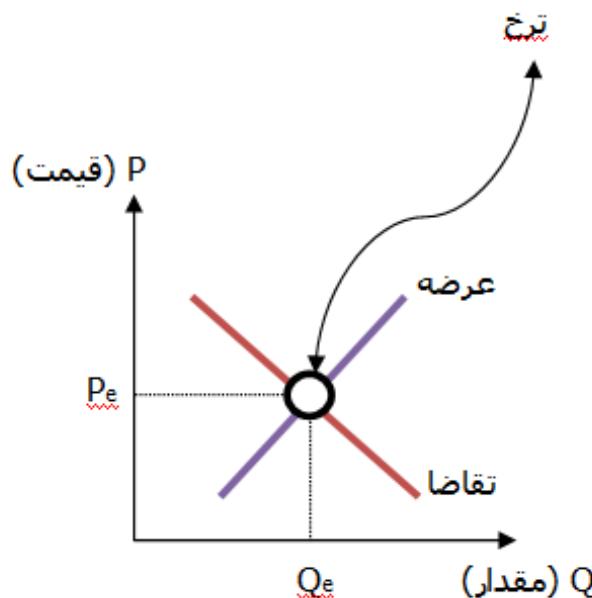
نکته: نمودار عرضه کاملاً معکوس نمودار تقاضا میباشد.

نکته: بیش از ۵۵ درصد مبادلات بازار ارز، بر حسب عرضه و تقاضاهايی که بانک های مختلف جایه جای نرخ را انجام می دهند ، تصویه میشود

مفهوم تعادل : فقدان انگیزه در اجزای سیستم برای خروج از وضعیت موجود

تعادل در بازار : انطباق خواسته های مصرف کنندگان و عرضه کنندگان

نرخ : به نقطه برابری (تعادلی) عرضه و تقاضا نرخ گفته میشود .



دلایل تغییر عرضه و تقاضا:

۱-دلایل بازارگانی : صادرات و واردات (خدمات و کالا) در دسته دلایل بازارگانی تغییر عرضه و تقاضا گنجانده میشود

نکته: بازار تقاضا است که قیمت را بیشتر جایه جا میکند تا اینکه عرضه باشد.

۲-جایه جایی دارایی های مالی: ۸۰٪ جایه جایی های عرضه و تقاضا مربوط به اوراق بهادر مانند سهام و اوراق قرضه (دارایی های مالی) میباشد.

نکته: هدف این جایه جایی ها (دارایی مالی) حفظ دارایی و سود کردن میباشد

1-بانک های مرکزی:

دو هدف اصلی بانک مرکزی که در بازار حضور دارند عبارت است از، بهبود کارکرد های اقتصادی و کنترل دخایر مالی میباشد.
(گاهی خبری از مداخله یا اینترونیشن بانک های مرکزی مثل ژاپن و سوئیس به گوستان باید رسیده باشد)

2-اشخاص حقیقی (گردشگران و)

برای این دسته جابجایی قیمت خیلی مهم نیست چرا که قصد سوداگری ندارند. این گروه در دسته دارایی های فیزیکی جا میگیرند

3-بازرگانان:

صادرکنندگان و واردکنندگان شامل میشود

4-شرکتها و موسسات اقتصادی (Corporations Firms):

منظور همان بنگاه های اقتصادی است

5-بانک ها:

بانک های تجاری: وظیفه اصلی انها جابجایی سرمایه است . غالباً ترین نهاد سپرده پذی هستند آنها از طریق ارائه انواع مختلف حساب های سپرده به بخش های دارای مازاد وجود و همین طور با انتقال وجود سپرده گذاری شده به شکل وام و یا خرید اوراق بدھی به بخش هایی که کسری وجود دارند خدمت رسانی میکنند. بانک های تجاری هم به بخش خصوصی و هم به بخش عمومی خدمات می دهند زیرا سپرده های آنها و خدمات اعطای وام آنها توسط خانوار (Households) و بنگاه ها (Businesses) و شرکت های دولتی مورد استفاده قرار میگیرد.

بانک های بازرگانی : بانک های که ارائه خدمات الوبت آنها می باشد

6-بازارساز ها (Market Maker) کارگزاران :

بازارسازان: موسساتی که وظیفه ان، ارائه قیمت از بازار های خاص به مشتری می باشد و سود و زیان مشتری را خود میپذیرد (نتیجه مهم : سود معامله گران به ضرر انها و بلعکس میباشد)

کارگزاران: فقط و فقط نقش واسطه را ایفا میکنند مثل بنگاه مسکن که خرید یا فروشی را جوش می دهد و کمیسیون خود را دریافت میکند

7-سوداگران و سرمایه گذاران:

(الف) صندوق های سرمایه گذاری مشترک (Mutual Funds)

این صندوق ها به بخش های که مازاد وجود دارند واحد سرمایه گذاری می فروشند و از وجود بدست آمده جهت خرید پرتفولیوی اوراق بهادر استفاده میکنند. اینها غالباً ترین نهاد مالی غیر سپرده پذیر هستند. از طریق خرید سهمی از صندوق های سرمایه گذاری مشترک ، سرمایه گذاران کوچک قادرند که در پرتفولیوی متنوع از اوراق بهادر با وجود نسبتاً کم سرمایه گذاری کنند

ب) صندوق های پوشش ریسک (Option)

با پرداخت اعتبار بستر ، اجازه اختیار خرید و فروش میدهند ، تقریبا مسیب ۲۰٪ جابه جایی های عرضه و تقاضا میباشد

ج) صندوق های بازنیستگی (Pension Funds)

بسیاری از شرکت ها و موسسات دولتی ، طرح بازنیستگی برای کارمندان خود فراهم میکنند، کارمندان و کارفرمایان آنها و یا هر دو به طور مرتب وجوهی را در این طرح واریز میکنند صندوق بازنیستگی برای افرادی که میخواهند در دوران بازنیستگی مشکل مالی نداشته باشند گزینه مناسبی است. وجوهی که از حساب های بازنیستگی افراد بدست آمده است معمولاً توسط صندوق های بازنیستگی در سلام یا اوراق قرضه منتشر شده توسط شرکت ها و دولت سرمایه گذاری میگردد

د) شرکت های بیمه (Insurance Company)

به شرکت های منفعت طلب مشهور هستند ، این شرکت ها ، بیمه نامه برای افراد و شرکت ها فراهم میکنندتا از این طریق بار مالی ایجاد شده به سبب مرگ ، بیماری و آسیب به اموال ... را کاهش دهد. شرکت های بیمه در مقابل حق بیمه (Premium) دریافت میکنند، آنها وجوه خود را که به شکل بیمه بدست آورده اند تا زمانی که جهت پوشش ادعاهای بیمه ای لازم نباشد سرمایه گذاری میکنند، شرکت های بیمه معمولاً وجوه خود را در سهام و یا اوراق قرضه منتشره توسط شرکت ها و یا موسسات دولتی سرمایه گذاری میکنند از همین راه این شرکت ها به عنوان واسطه های مالی نیاز بخش های را که کسری وجوه دارد تأمین میکنند به طور کلی عملکرد آنها به عملکرد سهام و اوراق قرضه خریداری شده بستگی دارد

ه) بانک های سرمایه گذار

خصوصیات بازار ارز

۱- نوسانی بودن بازار : بازار سوداگری است تا سرمایه گذاری چرا که ما دو ارز مورد مطالعه و معامله قرار میدهیم ، اما برخلاف بازارهای دیگر همچون سهام که فقط بر یک سهم مرکز هستند ، پس استراتژی های نگهداری آن در بلند مدت به هیچ عنوان در بازار ارز مورد قبول نیست.

۲- جابجایی و تغییرات قیمت در کوتاه مدت تصادفی است : بعضی تغییرات از هیجانات و انتظارات معاملگران نشئت میگیره که هیچ توجیه اقتصادی ندارد!

۳- بازار ارز بازار تغییرات در روز است: توصیه میشود همیشه در یک ساعت خاص بازار را مورد نحلیل قرار دهید

۴- 42 ساعته بودن بازار ارز

۵- اثر بازار ارز بر روی اقتصاد های کشور های ذی نفع در آن جفت ارز: هرگاه ارزش پول کشوری پایین بیاید ، صادرات بالا میرود و ئاردادات کاهش پیدا میکند و بر عکس

۶- اثر بازار ارز بر روی سایر بازار ها (سهام ، اوراق قرضه ...) و بلعکس

با توجه به این خصوصیت "اثر بازار ارز بر روی سایر بازارها و اثر سایر بازارها بر روی بازار ارز" باید با سایر بازارها آشنایی نسبی داشته باشیم که بتوانیم روابط و جایگاه آنها در مقابل بازار هدف (بازار تبدلات ارزی) مشخص کنیم. در پست های آتی به هر یک از بازارهای زیر به صورت مختصر خواهیم پرداخت.



www.Fakhrlil.Gigpa.com

(Money Market) بازار پول

بازارهای مالی که جریان وجوده را در کوتاه مدت تسهیل میکنند بازار پول یا مانی مارکت گفته میشود اوراق بهادری با سرسید کمتر از یک سال در آنها مبادله میشود این اوراق به طور کلی از نقدینگی (Liquidity) بالایی برخوردارند. اکثر آنها دارای بازده مورد انتظار پایین بوده و همچنین از ریسک کمی نیز برخوردار هستند.

نکته کلیدی: ریسک در اینجا نشان دادن عدم اطمینان از تحقق بازده مورد انتظار است

نکته کلیدی: مهمترین بازاری است که اثر گذار روی بازار ارز میباشد

بازار سرمایه

بازارهای که جریان وجوده در بلند مدت را تسهیل میکنند بازار سرمایه یا کپیتال مارکت میگویند اوراق بهادر با سر رسید بیش از یکسال در آنها مبادله میشود که به سه بخش زیر تقسیم میشوند:

(Stock) بازار سهام

بازار اوراق رهنی

(Bond Market) بازار اوراق قرضه

سهام گواهینامه ای است که نشان میدهد مالکیت بخشی از شرکت انتشار دهنده سهام متعلق به دارنده آن است،
نکته کلیدی: از آنجایی که سهام سر رسید ندارد جز اوراق بهادر بازار سرمایه طبقه بندی میشود

بازار سهام یا (Stock Market) بازاری است که معامله گران با سرمایه گذاری و خرید سهم یا سهامی از یک شرکت یا مجموعه ای از شرکت ها و کارخانه ها در سود و زیان تفاوت قیمت سهام آن بنگاه اقتصادی و یا در سود و زیان حاصل از فعالیت آن بنگاه شریک می شوند به عبارتی به جایگاهی گفته می شود که اوراق بهادر که برای شرکتها و بنگاه های تولیدی و خدماتی است، داد و ستد می شود.

بازار اوراق رهنی

وام رهنی تعهدات بدھی بلند مدتی است که جهت تامین مالی خرید املاک (زمین و مسکن) ایجاد میشود.
بازار اوراق رهنی بازاری است که اوراقی را به ودیع میگذارند و پولی را دریافت میکنند

نکته کلیدی: در این بازار نیازی نیست که اوراق ودیعه گذاشته شده حتما متعلق به ان کشوری باشد که از ان پول دریافت شده است

بازار اوراق قرضه (Bond Market)

اوراق قرضه تعهدات بدھی بلند مدتی هستند که توسط شرکت ها و موسسات دولتی برای پشتیبانی از فعالیت های خود، منتشر میشود
بازار اوراق قرضه بازاری است که اوراق بدھی موسسات گوناگون که دارای سرسید بیش از یک سال باشد مورد تبادل و خرید و فروش قرار داده
میشود.

نکته کلیدی: اوراق قرضه و رهنی ، نشان دهنده بدھی هستند بنابراین می بایست هدایت و زمان بندی پرداخت های بهره و اصل مبلغ سرمایه
گذاری برای خریداران آنها تعیین گردد

نکته کلیدی: اوراق قرضه دولتی روی بازار ارز اثر دارد و اوراق قرضه ده ساله دولتی از همه مهمتر هست

بازار مشتقه

اوراق بهادر مشتقه قرارداد های مالی هستند که ارزش آنها از ارزش دارایی اصلی (مانند اوراق بهادری یا اوراق سهام) مشتق میشود. این اوراق به سرمایه گذاران این امکان را می دهد که با توجه به تغییرات در قیمت دارایی اصلی بدون اینکه آن دارایی اصلی را خریداری کنند سرمایه گذاری انجام داده و از این تغییرات منتفع گرددند یا نهاد های مالی و شرکت ها از این طریق ریسک سرمایه گذاری فعلی خود را در اوراق بهادر تعدیل کنند

این بازار اوراقی که معمولاً تاریخ سر رسید برای اینده دارند و با بت انتقال دارایی های فیزیکی مورد تبادل قرار میگیرند (اوراق نفتی)

نکته کلیدی: این بازار بیشتر از بازار ارز اثر پذیر هست تا اینکه اثر گذار باشد

شامل بورس هایی است که قیمت تبادلات کالاهای به صورت جهانی یا منطقه ای بر اساس عرضه و تقاضا ارزش گذاری می شود (بورس شیکاگو و لندن)

الف: کالاهای اولیه به سه قسمت تقسیم میشوند:

: فاسد نشدنی هستند مانند فلزات (طلا، نقره...)، سیمان و غیره Hard

: فاسد شدنی و یا به مرور زمان ارزش آنها کم خواهد شد مانند آب پرقال، قهوه، اقلام خوراکی و غیره Soft

: برای تولید انرژی یا مصارف انرژی مورد استفاده قرار میگیرد مانند نفت، گاز، برق، ذغال سنگ و غیره Energy

ب: کالاهای ثانویه: کالاهایی که حتماً برای مصرف کننده نهایی تولید شده است مانند جوراب ، لباس و غیره

نکته کلیدی: مدیریت پول ، مدیریت استراتژی ... هیچ کدام از بازارهای دیگر نمیتوان در بازار ارز استفاده کرد

اثر یک ارز بر روند اقتصاد

نکته کلیدی: حداقل زمان اثرگذار جایی نرخ ارز بر روی صادرات یا واردات کشور ، شش(۶) ماه میباشد!

تأثیرات به وضوح در جدول شرح داده شده است!

اثر	نرخ برابری	ارزش ارز	
افزایش واردات اروپایی ارزان شدن کالاهای آمریکایی	کاهش صادرات اروپایی گران شدن کالاهای اروپایی	Eur/usd= 1.4	افزایش نرخ برابری
افزایش واردات آمریکایی ارزان شدن کالاهای اروپایی	کاهش صادرات آمریکایی گران شدن کالاهای آمریکایی	Eur/usd= 1.2	کاهش نرخ برابری

وظایف بازار ارز

۱- انتقال قدرت خرید: اینکه بتوانید کالایی را به ارزی غیر از ارز کشور خودتان مبادله کنید

۲- اعطای اعتبارات : بابت رشد اقتصادی و بهبود شرایط اقتصادی کشورها نیاز به وجود سرمایه می باشد سرمایه مورد نظر تا بهبود شرایط از کشورهای دیگر دریافت میشود.

۳- مدیریت و پوشش ریسک بازارهای دیگر : حفظ و قدرت مبادله هر نوع دارایی ، مستلزم این است که سبدی از دارایی مورد استفاده قرار بگیرد . در عین حال مبادلات یا از طریق واسطه بازار ارز و یا پوشش ریسک بر روی خود بازار ارز باشد

رفتار معامله گران بر اساس ریسک و بازده در بازار ارز

۱- سرمایه گذاران ریسک گریز هستند

نکته کلیدی: هر چه ریسک سرمایه گذاری در سایر بازارهای مالی بیشتر باشد ، ریسک سرمایه گذاری در بازار ارز کمتر خواهد بود و معاملات

۲- سرمایه گذاران در بازار ارز در طی زمانی میان مدت و بلند مدت نصیمات منطقی میگیرند.

۳- سرمایه گذاری و بازدهی بدون ریسک معنا ندارد.

نکته کلیدی: بدست آوردن بهره و پول نیازمند ریسک است و باید بپذیریم.

۴- بیشتر کردن مقدار موجودی حساب و سود بیشتر در بازار ارز با کمترین ریسک یا خطر

نکته کلیدی: مهمترین اولویت معامله گران بازار ارز است.

ارزش گذاری مطلق و نسبی و اشتایی با بازار های جفت ارزهای هر ارز خاص

برای انجام معاملات بازارگانی ، انجام واردات و صادرات خدمات و کالا ، دادوستد های دارایی های مالی در سطح جهان و هر فعالیت دیگر هبپول خارجی یا ارز نیازمندیم.

تنها زمانی تجارت بین الملل و روابط متقابل اقتصادی صورت میپذیرد که بین مبادله پول کشورهای جهان رابطه مشخصی وجود داشته باشد رابطه که ارزش یک واحد پول(ارز) معین را برحسب شماری از واحدهای پول دیگر بیان کند نرخ مبادله ارز نامیده میشود به زبان ساده ، نرخ ارز برابری و ارزش دو پول را نسبت به یکدیگر نشان میدهد.

US Dollar	Yen	Euro	GBP	AUD	CAD	CHF
Eurusd	Eurjpy	Eurgbp	Gbpaud	Audcad	Cadchf	
Gbpusd	Gbpjpy	Eurchf	Gbpchf	Audchf		
Audusd	Audjpy	Euraud	Gbpnzd	Audnzd		
Usdjpy	Nzdjpy	Eurcad	Gbpkad			
Usdcad	Cadjpy	Eurnzd	Gbpsek			
Usdchf	Chfjpy					

دلار ایالات متحده به عنوان ارز پیشرو

هر کشوری واحد پولی خود را داراست اما در صحنه تجارت بین الملل نرخ مبادله ارزها با دلار ایالات متحده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به طوری که در بورس های جهانی تعیین ارزش ها به دلار ایالات متحده انجام میگیرد.

پس از جنگ جهانی دوم به دلیل برتری اقتصاد ایالات متحده، پول این کشور به عنوان عمدۀ ترین و مهمترین ارز دنیا شناخته شد و نقش دالی بایمن و ذخیره جهانی ایفا کرده است.

نه تنها ارز کشورها بلکه کالا ها نیز بر مبنای دلار ایالات متحده ارزشگذاری می شوند به همین دلیل دلار همچنان به عنوان ارز غالب مطرح است و اغلب ارزها در برابر آن مظنه داده می شوند.

نکته کلیدی: تغییرات ارزش دلار به طور مطلق بر روی برابری ها اثر گذار هست.

در ارزهای متقطع بالا رفتن نرخ مبلده نمیتواند به معنی تقویت مطلق ارز پایه و تضعیف ارز متقطع باشد بلکه باید مفهوم نسبی مورد توجه قرار بگیرد.

مثال: جفت ارز EURGBP در نظر بگیرید که در حال صعود می باشد ، به طور مطلق نمیتوان گفت که یورو تقویت و پوند تضعیف شده است بلکه حالت های متفاوتی می تواند روی داده باشد. در این وضعیت ممکن است یورو در برابر پوند به طور نسبی تقویت شده باشد

تفسیرهای متفاوت در جدول زیر آمده است:

روند افزایشی EURGBP	
پوند در برابر دلار نیرومند	یورو در برابر دلار بسیار نیرومند
ثبتیت پوند در برابر دلار	یورو در برابر دلار نیرومند
ضعف پوند در برابر دلار	ثبتیت یورو در برابر دلار
ضعف شدید پوند در برابر دلار	ضعف یورو در برابر دلار
تضییف پوند در برابر دلار	تقویت یورو در برابر دلار

در واقع تغییرات ارز متقاطع با توجه به تغییرات هر کدام از پول های خارجی در برابر دلار معنی می دهد

دسته بندی بازارهای ارز

بسته به اینکه در جفت ارزها دلار باشد یا نه ، نرخ های مبادله را میتوان به صورت زیر دسته بندی کرد

۱- **برابری دلاری :** نرخ مبادله ای که در آن، چه به عنوان ارز پایه یا ارز متقابل دلار باشد گفته می شود مانند EURUSD یا USDJPY

(الف) برابری های دلاری اصلی : با توجه به سطح مبادلات پول های مختلف و نقش آنها در تجارت بین الملل می توان جفت ارزهای را به عنوان بازار ارزهای اصلی در نظر گرفت مثل:

EURUSD . USDJPY . USDCNH . GBPUSD

(ب) برابری های دلاری فرعی

(ج) برابری های دلاری گمنام

نکته کلیدی : بازارهای فرعی مثل AUDUSD , USDCAD و آنها یی که نقش بسیار کمتری در صحنه تجارت بین الملل دارند بازارهای ارزهای فرعی و گمنام می نامیم.

۲- **برابری غیر دلاری (متقاطع) :** در سطح منطقه ای تبادلات تجاری بین دو کشور همسایه ممکن است بر اساس نرخ های مبادله پول های

محلي آنها انجام گیرد، مانند انگلستان و اروپا پس برابری (جفت ارزهای) که در آن دلار قرار ندارند ارزهای غیر دلاری یا زوج ارزهای متقاطع

(Cross Rate) EURGBP میگویند. مانند

برابری های غیر دلاری(متقاطع)

ارزهای متقاطع به دلایل گوناگونی به کار گرفته میشوند ، دو دلیل عمده عبارتند از:

۱. **کاهش ریسک :** معاملات ارزهای غیر دلاری میتواند به معاملگران برای پوشش ریسک تغییرات غیر قابل پیش بینی دلار یا تصمیمات بانک مرکزی ایالات متحده (فردال رزو) کمک کند.

نشانه های برابری غیر دلاری: ارزهای متقاطع حاوی پیام ها و نشانه های با ارزشی هستند که معاملگران میتوانند به هشدارها و نشانه های موجود در برابری ارزهای متقاطع توجه کنند و از آنها برای پیش بینی آینده استفاده کنند

محاسبه نرخ ارز متقاطع

هرچند ارز متقاطع دارایی غیر دلاری به شمار میروند با این وجود محاسبه آنها بر مبنای نرخ ارزهای است که بر حسب دلار ایالات فتحده سنجیده می شوند. بر حسب تقسیم و ضرب زوج ارزهای پایه دلاری محاسبه میشوند

مثال: برای محاسبه یورو به پوند از تقسیم نرخ مبادله gbpusd بر eurusd بدست می آید

پول های برتر و بازارهای عمده ارز

دلار ایالات متحده ، یعنی ژاپن ، واحد پولی اتحادیه اروپا و پوند انگلستان به دلیل نقش کلیدی آنها در انجام مبادلات بین المللی و ویژگی های اقتصادی ، بازارهای عمده پول را تشکیل میدهند.

نکات مفهوم ارزشگذاری مطلق و نسبی

- ۱- مهمترین تک ارز بازار ها ، دلار می باشد. پس از آن یعنی ژاپن ، یورو اروپا ، پوند انگلستان ، فرانک سوئیس ، دلار استرالیا و دلار امریکا می باشد.
- ۲- ارزش ذاتی دلار بیشترین تاثیر پذیری را از یعنی ژاپن به عنوان تک ارز پذیرفته می شود
- نکته کلیدی: ارزش دلار به تنها بیان dxy نمایش میدهند که برگرفته از ارزهای یورو ، یعنی ، پوند ، فرانک ، دلار کانادا ، کرون سوئد می باشد
- ۳- ارزش گذاری مطلق همه ارز ها به دلار سنجیده می شود
- ۴- دلار امریکا و یعنی ژاپن ریسک گریز و ارز ایمن هستند
- ۵- فرانک سوئیس در دوره های رکود ایمن و در دوره های رونق پر ریسک هست
- ۶- یورو و پوند و دلار استرالیا و دلار کانادا ارز های ریسک پذیر و سوده میباشند. (بازده بالاتری دارند)
- ۷- ارزهای متقاطع به صورت نسبی در مقابل یکدیگر تضعیف و یا تقویت می شوند که این ارزش گذاری از رابطه همبستگی هر ارز در مقابل دلار استخراج میشود.
- ۸- از مجموع این مباحث در مورد جدول ارزهای مختلف ، میتوان نتیجه گرفت که همیشه باید جفت ارزی مورد معامله قرار بگیرد که یک ارز در حال تقویت شدید و ارز روپرتو در حال تضعیف باشد.
- ۹- اگر در بازارهای پوند ، دلار ، یعنی بینیم چه اتفاقی رخ خواهد داد می توانیم از این مبحث نتیجه گیری کنیم که نسبت به وضعیت ارزهای که پایه دلار دارند چه اتفاقی روی خواهد داد.

بازدهی

بازدهی در بازار ارز به دامنه نوسان و جابجایی هر ارز و نه هر جفت ارز در بازه زمانی گوناگون گفته میشود

کاربرد:

یکی از بهترین راه کارها برای بدست اوردن دارایی و یا جفت ارز مناسب و جهت مناسب، جدول بازدهی است. علی الخصوص در دوره های میان مدت در شرایطی که ریسک بازار عوض نشود می تواند مناسب باشد.

فرمول:

مقدار جابه جایی = قیمت پایانی دوره قبل - قیمت پایانی دوره فعلی

درصد بازدهی = (مقدار جابه جایی * ۱۰۰) / قیمت پایانی فعلی

	USD	JPY	EUR	GBP	CHF	AUD	CAD
USD	****	-0.17	2.42	1.34	1.88	1.81	0.73
JPY	0.17	****	2.60	1.49	2.01	1.96	0.90
EUR	-2.42	-2.60	****	-1.09	-0.58	-0.64	-1.68
GBP	-1.34	-1.49	1.09	****	0.53	0.47	-0.60
CHF	-1.88	-2.01	0.58	-0.53	****	-0.05	-1.11
AUD	-1.81	-1.96	0.64	-0.47	0.05	****	-1.06
CAD	-0.73	-0.90	1.68	0.60	1.11	1.06	****

نکات جدول بازدهی (قسمت اول):

نکته ۱: اگر در ردیف ارز ، ارز پایه باشد ، باید اعداد مثبت را به منفی و بلعکس تبدیل کنیم به طور مثال دلار بهینه زاپن اگر منفی بود آن را مثبت میکنیم و بلعکس

نکته ۲: آن ارزی که بیشترین عرضه را در جدول دارد تمامی اعداد رو به روی آن مثبت هستند و آن ارزی که بیشترین اعداد منفی رو به روی آن هست بیشترین تقاضا را در بازار به خود اختصاص میدهد.

نکته ۳: برای تاییدیه گرفتن از اینکه بازدهی تمام ارزها درست حساب شده است یا خیر ، آن ارزی که تمامی اعداد ردیف جلویش مثبت هست نسبت به آن ارزی که تمامی اعداد ردیف رو به روی آن منفی است حتماً می بایست بزرگترین عدد بازدهی بین دو این ارز وجود داشته باشد

نکته ۴: با توجه به جدول بازدهی آن ارزی که رتبه دوم تقاضا را دارد یا رتبه دوم عرضه را دارد ، میتوان در بازه زمانی پیش رو در جهت عرضه و تقاضای که نشان می دهد مبادله کرد.

نکته ۵: جدول بازدهی فقط جفت ارز مناسب جهت معامله و جهت حرکت را نمایش می دهد و به هیچ عنوان قیمت را نشان نمی دهد

نکات جدول بازدهی (قسمت دوم):

نکته ۶: ان جفت ارزی که بیشترین بازدهی را داشته به شرط اینکه ریسک بازار عوض نشود (خبری منتشر نشود ، بیانه ای بیرون نیاید ، بحرانی اتفاق نیافتد ..) در بازه زمانی پیش رو حداقل نیمی از بازدهی قبل خود را تکرار میکند.

نکته ۷: در صورتی که جفت ارزی را که بیشترین بازدهی را داشته در بازه زمانی قبل ، بازدهی اش در بازه زمانی جاری به کمتر از نیمی از بازدهی زمان قبلی برسد میتوان انتظار داشت که این جفت ارز دیگر برای مبادله برای معامله نیست (پیش خرید و پیش فروش)

نکته ۸: متوسط بازدهی در طول هفته ۲.۵ تا ۳ درصد است

نکته ۹: بازدهی بیشتر از ۵ درصد حتما نشانه ای از عامل بنیادی بسیار قوی در بازار می باشد، حتما گسترش پیدا خواهد کرد برای یک الی دو هفته ، حداقل به اندازه نیمی از بازدهی قبلی!

نکته ۱۰: اگر بزرگترین عدد بازدهی در جدول زیر ۳.۲ باشد نشان میدهد که در بازار های ارز ثبات وجود دارد (قیمت رنج میشود)

نکات جدول بازدهی (قسمت سوم)

نکته ۱۱: اگر در هفته ای جفت ارزی بالاترین بازدهی و یا رتبه دوم جدول را نشان میداد ولی همان جفت ارز در هفته قبلش بازدهی مخالف را نشان میدهد این جفت ارز مناسب برای معامله نیست .

نکته ۱۲: ترجیحا بر روی ارزهایی که بازدهی انها در مقابل دیگر ارزها زیر دو درصد است از استراتژی بازار های جانبی(مثل نفت ، طلا) استفاده میکنیم.

نکته ۱۳: اگر ارزی در بازار پیش بینی کردید که تقویت یا تضعیف می شود حتما میباشد ریسک و خطر بازار در نظر گرفته شود و ریسک و بازده ارزهای متقطع را از همبستگی هر کدام از این ارزها در مقابل دلار نیز مورد سنجش قرار میدهیم

نکته ۱۴: بازدهی دلار در مقابل ارزها سریعا عوض نمیشود پس ریسک کمتری دارد

نکته ۱۵: ارزهایی که با هم همبستگی شدید دارند اگر در دوره هایی رفتار مخالف هم نشان بدند به صورت واضح نشان دهنده تغییرات اقتصادی در داخل کشورهای انها می باشد اما اگر ارزهایی که با هم همبستگی ندارند و یا همبستگی معکوس دارند در جدول بازدهی تغییرات شدیدی را نشان بدند این موضوع نشان دهنده تغییرات در شرایط جهانی است

نکته ۱۶: ارز هایی که به صورت مستمر و پی در پی بازده هایی که بیشتر از ۳٪ داشته باشند ، اعتبار و اهمیت بازدهی انها کاهش پیدا می کند. (بیش خرید و بیش فروش پیش آمده و از تعادل خارج شده است)

اندیکاتور بازدهی پیوست شد!

برای استفاده از اندیکاتور :

ردیف قرمز بیشترین تقاضا و ردیف ابی بیشترین عرضه ، ستون ابی بیشترین تقاضا و ستون قرمز بیشترین عرضه میباشد
لینک دانلود اندیکاتور:

(Correlation همبستگی) <http://pcmbrokers.org/pcmfileupload/uploads/pcmbazdehi.rar>

اغلب ارزهایی که اقتصاد های مشابه یکدیگر دارند در بلند مدت به شدت روی هم تاثیر گذارند. اما در کوتاه مدت میتواند همچهت یا خلاف جهت یکدیگر جابجایی داشته باشند.

بیشترین همبستگی بین پوند و یورو ، دلار استرالیا و دلار نیوزیلند و چود دارد و از سوی دیگر همبستگی نزدیک بین دلار ایالات متحده و بن ژاپن می باشد . دلار کانادا به دلار ایالات متحده تا حدودی شبیه هم هستند.

استثنایی هم به اسم فرانک وجود دارد که مابینابین ارزهای کم ریسک و پر ریسک میباشد که بسته به شراط اقتصادی حاکم بر جهان میتواند

سایت جهت مشاهده همبستگی جفت ارزها : [Forex Correlation](#)

موارد کاربرد همبستگی

- ۱- اگر ارز مشترک رفتار متفاوتی را در مقابل دو ارز دیگر نشان بدهد میتوانیم روی جفت ارز متقاطع ارز دیگر معاملات انجام دهیم که در این حالت هم ریسک کمتر است و هم سود انتظاری بیشتری داریم
- ۲- در جفت ارزهای متقاطع جایه جایی نرخ بیشتر به جایه جایی ارزش آن ارزی بستگی دارد که نرخ برابری یا ارزش ذاتی کوچکتری در مقابل دلار داشته باشد
- ۳- اگر تحلیلی انجام دادیم که یک جفت ارز صعودی یا نزولی باشد ، میتوانیم تاییدیه را از برابری آن در مقابل جفت ارزهای دیگر بهره ببریم.
- ۴- سه ارز را مقایسه میکنیم ، ان که رفتار متفاوتی دارد ، کنار میگذاریم و ارزی که یک طرف شدیدا تقاضا و دیگری عرضه میشود ترید میکنیم.

) Volatility (فراریت)

به طور متوسط هر جفت ارز در بازار فارکس گرایش دارد که روزانه یک درصد(٪۰.۱) از ارزش ذاتی خود را جایه جایی داشته باشد
نحوه بدست آوردن فراریت جفت ارز:

- راه اول : قیمت برابری $\times 1/100 = \text{فراریت}$
- راه دوم: در نمودار ساعتی یا روزانه بالاترین نقطه تا پایین ترین نقطه ، تعداد پیپ ها رو شمرده ، این مقدار پیپ فراریت آن روز کاری است

مثال:

$$\text{پوند / دلار} \text{ قیمت کنونی: } 1.5026 * 1/001 = 0.0510510.0 \text{ پیپ (فاریت)}$$

نکته کلیدی: برای دقت بیشتر این مقدار ولاطیلیتی هر روز را برای بازه چهار ماهه محاسبه کرده و میانگین میگیریم.
نکته کلیدی: ولاطیلیتی هفتگی برابر با ۲.۸ درصد میباشد . و ولاطیلیتی ماهانه در حدود ۵٪ تا ۷٪ میباشد.

• نکات فراریت (Volatility)

- نکته ۱: هرچه نرخ برابری جفت ارزی بالاتر باشد ، فراریت بیشتری دارد
- نکته ۲: محدوده زمانی باز بودن معامله به طور مستقیم بستگی به میزان فراریت انتظاری در بازار دارد
- نکته ۳: هرچه شرایط اقتصادی دو کشور بیشتر به یکدیگر نزدیک باشد مقدار فراریت جفت ارز تا حدودی کمتر از یک درصد خواهد شد (...٪) و هر چه شرایط اقتصادی دو کشور در بازارهای جهانی متفاوت باشند مقدار فراریت جفت ارز مورد نظر کمی بیشتر از یک درصد خواهد بود (...٪ ۱.۲)

نکته ۴ : اگر فراریت روزای قبل کمتر از حد معمول بود در روزهای آتی با انتشار یک داده بحرانی انتظار فراریت بیشتری داریم در نتیجه سود زیادتری نسبت به حد ضرر کمتر انتظار میرود!

سایت جهت مشاهده فراریت جفت ارزها :[Forex Volatility](#)

در خلال پستهای آموزشی تلاش میکنم که نکات روانشناسی هر از چند گاهی عنوان کنم که هم یادآوری برای خودم باشه و اینکه دوستان بهره لازم ببرند

یکی از مهمترین جملاتی که در خاطره من هک شده و موقعی که از سیستم معاملاتیم دلگیر میشم به یاد میارم این هست که سعی کنید یک روش ساده را به صورت مداوم با رعایت مدیریت سرمایه و در مدت زمان طولانی استفاده نمایید این یکی از مهمترین رموز موفقیت در بازار ارز می باشد.

و قبل از روشن کردن سیستم و شروع به کار پنج نکته از مارک داگلاس ریویو میکنم که قوت قلبم بالا میبرم

۱. هر چیزی ممکن است اتفاق بیافتد
۲. برای کسب پول لازم نیست یدانید که در آینده چه اتفاقی می افتد
۳. در هر مجموعه ای از متغیرها که یک لبه را تعریف می کنند، شکستها و موفقیت‌ها به طور تصادفی توزیع شده‌اند
۴. یک لبه چیزی نیست به جز احتمال وقوع بیشتر یک اتفاق بر اتفاق دیگر
۵. هر لحظه در بازار منحصر به فرد است.(خیلی مهم)

خصوصیات انحصاری ارزهای اصلی

دولار ایالات متحده آمریکا (US Dollars)

- ۱- دلار مبنای پرداخت بازار پایه جهانی (ابزار پرداخت)
- ۲- رابطه معکوس با تورم دارد (۱۰۰ درصد ضد تورم میباشد و منظور تورم جهانی است)
- ۳- دارایی ایمن بودن (دارایی ایمن بودن به این معنی است که در بحران‌ها و شرایط نامتعادل اقتصادی خریده، پس انداز و ذخیره میشود)

نکته کلیدی:

ارز ایمن دو شرط زیر را دارا می باشد:

الف - نقد شوندگی بالا دارد

ب - به عنوان پشتوانه اقتصادی سیاسی و نظامی مورد پذیرش است.

واحد پولی اتحادیه اروپا (Euro)

- ۱- پر ریسک بودن (هر زمان که صحبت از ریسک میشود حتماً در نقطه مقابل ان بازدهی در نظر گرفته میشود)
- ۲- تورمی بودن (با تورم جهانی رابطه مستقیم دارد در نتیجه اگر قیمت سبد کالا (CRB) افزایش یابد یورو هم بالا افزایش پیدا میکند)
- ۳- پر بازده بودن (معمولًا ارزهای پر بازده دارای نرخ بهره بالاتری می باشند)
- ۴- رونق اقتصادی (هر چه پتانسیل برای افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) در کشور یا اتحادیه بیشتر باشد به صورت بالقوه احتمال کاهش یا

نکته کلیدی:

تورم به افزایش پی در پی و گستردگی قیمت کلیه کالاها در طول یک بازه زمانی خاص گفته می‌شود. به زبان عامیانه تر کاهش ارزش پول را تورم می‌گویند.

پوند استرلینگ (GBP)

- ۱- پر ریسک بودن (دامنه نوسانات بیشتری نسبت به یورو دارد)
- ۲- تورمی بودن (نسبت به یورو تورمی تر هست پس هرچه تورم بالاتر رود نمودار Eur/Gbp نزولی است).
- ۳- پر بازده بودن
- ۴- رونق اقتصادی

دلار استرالیا (AUD)

- ۱- تورمی بودن
- ۲- پر ریسک بودن
- ۳- پر بازده بودن (پر بازده ترین ارز میباشد)
- ۴- رونق اقتصادی
- ۵- کالایی بودن (افزایش تورم باعث افزایش ارزش دلار استرالیا خواهد شد)

دلار نیوزلند (NZD)

- ۱- تورمی بودن
- ۲- پر ریسک بودن
- ۳- پر بازده بودن
- ۴- رونق اقتصادی
- ۵- کالایی بودن

نکته کلیدی: نسبت به دلار استرالیا تعديل شده است.

دلار کانادا (CAD)

- ۱- تورمی بودن
- ۲- پر ریسک بودن
- ۳- پر بازده بودن
- ۴- رونق اقتصادی (از لحاظ رونق اقتصادی شبیه ایالات متحده است ولی کانادا پر رونق تر هست)
- ۵- کالایی بودن : (به قیمت کالاها حساس است و افزایش قیمت کالاها باعث تقویتش خواهد شد و این رفتار باعث متمایز شدنش با دلار ایالات متحده شده است)

نکته کلیدی: به داده‌های بخش انرژی حساس تر است.

۱- تقاضا در دوران رونق

۲- تقاضا در دوران نا امنی (جنگ ، نا امنی های طبیعی ، به غیر از بحران اقتصادی)

نکته کلیدی: یک ارز بینا بین است که وابسته به شرایط اقتصادی دنیا و داخل تغییر میکند. (که بیشتر وابسته به شرایط اقتصاد داخلی اش می باشد)

ین ژاپن) (JPY

۱- ارتباط معکوس با تورم دارد (شبیه دلار امریکا)

۲- در زمان بحران های اقتصادی تقاضا میشود. باید توجه داشته باشید در بحران های شرق آسیا ین بی ارزش می شود چون:

الف) نیروی نظامی ندارد

ب) نرخ بهره پایین دارد

نکته کلیدی: ین و فرانک شبیه هم هستند جز خصوصیت دوم

نکته کلیدی: رونق اقتصادی باعث کاهش ارزش ین میشود و بلعکس

نتیجه گیری از خصوصیات انحصاری ارزهای اصلی

بازار های ارز گرایش دارند بر اساس خصوصیات انحصاری به تعادل برسند. برای اشنایی با تعادل بازار ، نیازمند درک شرایط موجود هستیم و شرایط موجود تشابه زیادی با شرایط تاریخی از دیدگاه بنیادی دارد

شرایط تاثیرگذار تاریخی از دیدگاه بنیادی

۱- شرایط تورم و قیمت کالاهای از آنجایی که تورم در اقتصاد جهانی منجر به جابجایی تراز بازارگانی و سرمایه می شود ، بدین لحاظ حتما روی ارزش ارزها تاثیر گذار است.

۲- مداخله برای ثابت و یا عدم ثابت : مداخله در بازار ارز در دنیای امروز فقط از طرف بانکهای مرکزی ایجاد میشود. که بابت بهبود شرایط اقتصادی است

نکته کلیدی: کشورهای مداخله کننده وابستگی زیادی به صادرات دارند مثل چین ، ژاپن و آمریکا که بالاترین مداخله دارند تا ارزش پول محلی را کاهش دهند و صادرات افزایش پیدا کند

۳- شرایط بازار سرمایه: اگر بازار سرمایه داخلی و یا سرمایه کشوری ، صعودی باشد. تقاضا برای پول محلی افزایش می یابد و اگر نزولی باشد تقاضا برای پول محلی کاهش می یابد. (برای کشورهای مصدق دارد که امنیت هم داشته باشند)

۴- تشخیص ریسک اینده بازار برای پیش بینی عرضه و تقاضا (مهمنترین قسمت)

انواع ریسک ها

۱- ریسک تورم:

ریسک تورم فعلی چیست؟ یعنی اینکه تورم در حال حاضر چه تاثیری بر بازار دارد

پیش بینی تورم برای اینده به چه ترتیبی خواهد بود؟

نکته کلیدی: با مشاهده چارت نفت و کالاها میتوانیم به جایگاه تورم پی ببریم!

۲- ریسک نرخ بهره:

پیش بینی نرخ بهره برای دوره های اینده

نکته کلیدی: از روی گزارش بانک مرکزی زوند و جهتیابی میکنیم.

۳- ریسک تغییرات بازار کالا:

بلفرض دلار استرالیا با طلا رابطه مستقیم دارد ، پس تغییرات در طلا میتواند اثر گذار بر دلار استرالیا باشد پس باید بازار کالا را برای ارزهای کالایی زیر نظر داشته باشیم

۴- ریسک چرخه های اقتصادی (چهار دوره اقتصادی داریم که در پست های آتی به آنها خواهیم پرداخت)

۵- ریسک بحران ها: بحران ها به چهار دسته زیر تقسیم بندی میشود:

(الف) اقتصادی

(ب) سیاسی

(ج) اجتماعی

(د) طبیعی

نکته کلیدی: بحران ها یا عوامل سیاسی ، اجتماعی و طبیعی کمتر از ۰۲% در بازار ارز تاثیرگذار هستند و به واسطه شرایط اقتصادی در بازار ارز می توانند تاثیر گذار باشند

۶- ریسک عدم تعادل تراز بازرگانی: مقدار خالص وجودی که به یک کشور وارد و خارج میشود تراز بازرگانی گفته میشود

۷- ریسک بودجه: بودجه به پیش بینی در امدها و هزینه های دولت بودجه گفته میشود. در بازار ارز این فاکتور چندان اثرگذار نیست ، و به طور کلی پیش بینی کم بودجه باعث کاهش ارزش پول میشود مثل یونان

۸- ریسک مداخله بانک مرکزی: معمولاً مداخله برای ثبت و عدم ثبت ارزش پول صورت میگیرد.

خصوصیات دارایی های ایمن

سه خصوصیات ویژه دارد:

۱- محافظت: در زمانهای بحران های سیاسی و اقتصادی دارایی ایمن ارزشش کاسته نمیشود

۲- ذخیره ارزش: در شرایط تورمی ارزش خود را حفظ میکند.

۳- رسمی بودن : به عنوان وسیله مبادله مورد قبول باشد

نکته کلیدی : ارزهای ایمن به ترتیب دلار، یورو، فرانک میباشد.

نکته کلیدی : در دوران عدم اطمینان به اقتصاد ، دارایی های ایمن به شدت تقاضا میشود

نکته کلیدی : وضعیت یک ارز را مخصوصا اگر دارایی ایمن باشد بر مبنای اقتصاد داخلی نمیسنجند ، بلکه بیشتر ارزش ان دارایی بر مبنای اقتصاد جهانی است.

دارایی پر یسک (ارز های تورمی)

دارایی سه خصوصیت زیر میباشد:

۱- بازده بالایی دارند: بهره و سودی که بابت آن دارایی می دهیم بالاتر است

۲- دامنه نوسانات انها زیاد است: مقدار جابجایی، حرکتی شدیدی دارند

۳- با سایر دارایی های پر یسک همبستگی دارد دارایی پر یسک اثرپذیری و اثر پذاری شدیدی از سایر دارایی هایی پر یسک دارد

نکته کلیدی : پوند اگر نرخ بهره را بالا ببرد ، این ارز بسیار پر یسک میشود (زیرا هم بستگی شدیدی با نفت دارد)

نکته کلیدی : سهام جزء دارایی پر یسک است ، اگر سهام بالا رود ارزش دارایی پر یسک بالا میرود

هدف تحلیل بنیادی

سه هدف اصلی به شرح زیر می باشد:

۱- قیمت چه باید باشد و کجا باید باشد() . در چه نقطه ای تعادل ایجاد می شود؟

۲- ریسک و خطر اینده و جاری بازار کدام جهت است؟

۳- چه دارایی بر دارایی دیگر برتزی دارد؟

نکته کلیدی: تحلیل بنیادی هیچ نقطه ورود به بازار را به ما نشان نمیدهد ، بلکه نرخ هدف، جهت و ارجحیت معامله گران بازار را مشخص می کند.

پس ما در این سبک تحلیلی به دنبال بدست آوردن جواب سه سوال بالا هستیم.

اقتصاد کلان

به مباحثی که در حیطه اقتصادی برای موارد اقتصادی مورد بررسی قرار میگیرد تا به سه هدف اصلی برسند را تحلیل کند

سه هدف اصلی به شرح زیر است:

الف - رشد اقتصادی

ب - تورم

ج - اشتغال

تفاوت اقتصاد خرد و کلان

میتوانیم کل اقتصاد را با اتصال قطعات تحلیل های اقتصاد خرد برای همه بازارها به یکدیگر مطالعه کنیم اما در اینصورت در نظر گرفتن همه نیروهای اقتصادی در جریان کاری دشوار خواهد بود.

اقتصاد خرد بر درک جزئیات بازارهای خاص تمرکز می کندهای داریم به عنوان ورودی الگوهای که در اختیار داریم و این الگوهای به ما یک خروجی میدهند که جهت حرکتی یک اقتصاد در یک بازه زمانی تعیین میکند، بلفرض ما بر اساس دیتاهای ایالات متحده به این موضوع پی بردیم که اقتصاد و حال افت هست و دلار باید ضعیف شود! و در همین حین بر اساس دیتاهای انگلستان نتیجه میگیریم که پوند باید در جایگاه بالاتری قرار بگیرد، به این صورت جهت حرکتی جفت ارز پوند به دلار پی میبریم! و بر اساس دیتاهای جدید کماکان میتوانیم معاملات خود را نگه داریم یا اینکه تسویه کنیم!

اقتصاد خرد مانند نگاه کردن به مسابقه اسب دوانی با دوربین است مشاهده جزئیات بسیار عالی است اما گاه با چشمان، تصویر روشن تری از کل مسابقه به دست می آوریم.

اقتصاد کلان به ساده سازی بلوک های سازنده اقتصاد میپردازد تا بر روی چگونگی اتصال آنها و تاثیر بر یکدیگر تمرکز کند

مهمترین موضوعات مورد بحث در اقتصاد کلان

- ۱- تعریف و تشریح مفهوم شاخص های مختلف کلان اقتصادی نظیر:
تولید ملی، رشد اقتصادی، شاخص قیمت، نوسانات اقتصادی، پول، حجم نقدینگی، بازارپول، اشتغال و بیکاری، ارتباط اقتصادی و مالی یک اقتصاد دیگر
- ۲- طریقه حسابداری شاخص های فوق
- ۳- ایجاد الگویی به منظور شناخت و تحلیل روابط بین متغیرهای کلان اقتصادی
- ۴- تحلیل بازار پول و ارتباط شاخص های مربوط به آن
- ۵- تحلیل بیکاری و تورم
- ۶- ارتباط بین شاخص های کلان داخلی با وضعیت تراز تجاری و مالی بین المللی کشورها
- ۷- بحث در مورد سیاست گذاری های کلان اقتصادی

تحلیل بنیادی چگونه انجام می شود

به طور خلاصه روند تحلیل به صورت زیر می باشد

- ۱- گردآوری داده های مربوط به بنیادهای اقتصادی
- ۲- بررسی و تفسیر اطلاعات و آگاهی های موجود
- ۳- طراحی الگو و ساختار آن
- ۴- تعیین روابط بین متغیر های الگو
- ۵- تعیین اهمیت متغیر های الگو
- ۶- تعیین ارزش آینده یک ارز در برابر ارز دیگر
- ۷- مقایسه ارزش ذاتی با قیمت جاری

پس روند کار به این صورت شد که ما یک سری دیتاهای داریم به عنوان ورودی الگوهای که در اختیار داریم و این الگوهای به ما یک خروجی میدهند که جهت حرکتی یک اقتصاد در یک بازه زمانی تعیین میکند، بلفرض ما بر اساس دیتاهای ایالات متحده به این موضوع پی بردیم که اقتصاد و حال افت هست و دلار باید ضعیف شود! و در همین حین بر اساس دیتاهای انگلستان نتیجه میگیریم که پوند باید در جایگاه بالاتری قرار بگیرد، به این صورت جهت حرکتی جفت ارز پوند به دلار پی میبریم! و بر اساس دیتاهای جدید کماکان میتوانیم معاملات خود را نگه داریم یا اینکه تسویه کنیم!

تشبیه بازار بورس به دریا(اقیانوس)

۱- در این دریا(اقیانوس) هدف شما شنا کردن نیست، قایقی را با تور ماهی گیری و مقداری طعمه برداشته اید و به دریا زده اید تا ماهی های بزرگتری بگیرید.

۲- طعمه های شما به قدری کوچک است که در اقیانوس، به پلانگتون تشبیه می شود!!

۳- با پلانگتون نمی توان به شکار نهنگ و کوسه رفت!!!

۴- پلانگتون ها را به کلیکاها، کلیکاها را به ماهی کوچک، ماهی کوچک را به ماهی متوسط، و ماهی متوسط را به ماهی بزرگ تبدیل کنید با ماهی بزرگ نیازی به شکار نهنگ و کوسه ندارید شما اگر به این مرحله برسید از بازار فارکس بازنشسته شده اید!!!

۵- زمانی که امواج در جهت موافق حرکت شما نیست ماهی های کوچک خود را به کوسه های اقیانوس تقدیم کنید تا کوسه ها، تور و قایق و تمام اعتبار شما را نخورند(استاپ بگذارید)

۶- محدوده ای خاص از اقیانوس را برای ماهی گیری انتخاب کنید.

هیچ صیاد عاقلی به دنبال شکار بین اقیانوس منجمد جنوبی تا خلیج مکزیک نیست(هیچ تریدر عاقلی روی راند آفریقای جنوبی و پزوی مکزیک معامله نمی کند)

۷- در روزهای طوفانی قایق را به دریا نزنید، با اینکه روزهای طوفانی ماهی بیشتری به سطح آب می آورد ولی فراموش نکنید غیر از نهنگ ها و کوسه ها، امواج نیز قدرت شکستن قایق شما را دارند.

۸- زمانی که دریا طوفانی است شما برای همسو شدن با جریان آب نیاز به انعطاف پذیری بیشتری دارید صیادهای وارد با سرعت و مهارت هر لحظه میتوانند قایق و طعمه های خود را در جهت امواج بزرگتر قرار دهند (انعطاف پذیر باشید)

۹- هیچ صیاد عاقلی بیش از ۳ درصد از طعمه های خود را در قلاب قرار نمی دهد مگر اینکه بخواهد خیلی زود به ساحل برگردد!!

۱۰- صیادی در اقیانوس با صیادی در استخر پرورش ماهی تفاوت دارد(تفاوت ریل با دمو)

۱۱- با طعمه هایی وارد اقیانوس شوید که از سر سفره خانواده بر نداشته اید برای گذران زندگی به درآمد فارکس نیاز نداشته باشید)

۱۲- سازندگان قایق، تور فروش ها و قلاب فروش ها اگر به درجه بالایی از مهارت در ماهی گیری رسیده بودند دل به دریا می زدند و منتظر انلنج شما در ساحل نبودند

(سیگنال فروش و بروکر دلش به حال ماهی های کوچک شما نمی سوز)

۱۳- بعضی از حرفه ای ها در نزدیکی ساحل با نیزه به صید می پردازنند مانند کسانی که در مسابقات فارکس شرکت می کنند با اینکه هیچ طعمه ای به بازار نمی دهند اما باید مهارت کاملی داشته باشند تا یکی از ۳-۴ ماهی کوچک کنار ساحل را بتوانند شکار کنند.

۱۴- تا زمانی که شرایط روحی روانی و تمرکز کافی ندارید به دریا نزنید،

دریا برای کسانی مناسب است که از خود دریا لذت می‌برند، نه برای کسانی که می‌خواهند سفره خود را از ماهی‌های رنگارانگ پر کنند

در دریای فارکس قایقتان پر ماهی باد

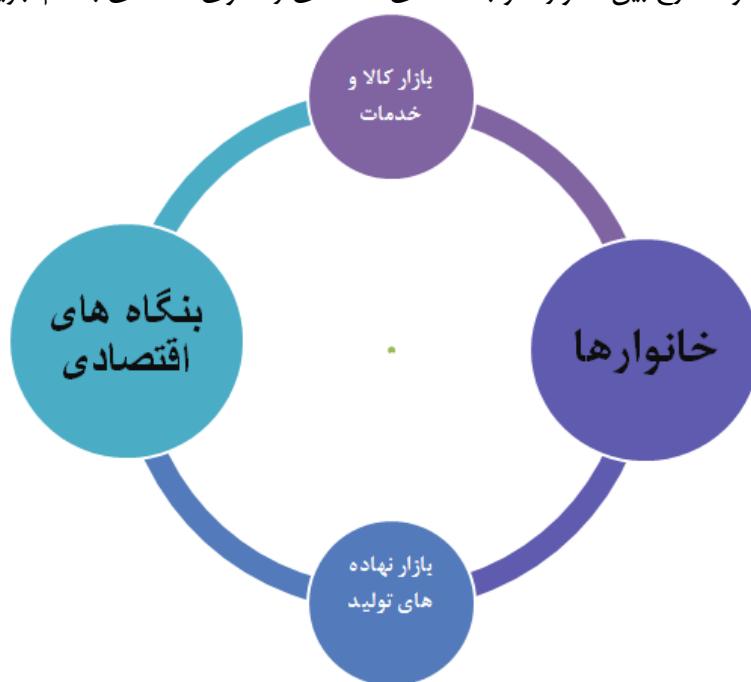
دست نوشته‌های استاد خوبیم جناب حامد خسروی عزیز (اینها زیرخاکی هست بهره ببرید از این سخنان گرانبها)

تفسیر روابط اقتصادی با الگوهای اقتصادی

اقتصاد دانان با استفاده از داده‌هایی همچون تولید و درآمد و بیکاری و قیمت تلاش دارند تا چگونگی کارکرد و سازو کار کل اقتصاد را تفسیر و توصیف کنند آنها در این زمینه از فرضیه‌ها و تئوریها و الگوهای مبتنی بر متغیرها و داده‌های اقتصادی بهره می‌جویند. اقتصاد دانان تمایل دارند که برای درک و تفسیر پدیدهای اقتصادی از الگوها استفاده کنند. یک الگوی اقتصادی رابطه‌ای است که بر مبنای شماری از متغیرهای اقتصادی ساخته می‌شود. رابطه‌های موجود در یک الگو براساس یکسری اصول و فرضیه‌های پذیرفته شده استوار گردیده است. بنابر این با استفاده از این الگوها می‌توان رابطه بین متغیرهای اقتصادی یا همان شاخصهای اقتصادی را درک کرد در حقیقت الگو همانندیک نظریه ساده شده است که از جزئیات و عوامل غیر ضروری صرفنظر می‌کند.

جريان یا چرخه اقتصادی (Circular Flow)

اقتصاد دانان تمایل دارند برای تحلیل شرایط اقتصاد داخلی یک کشور و درک پدیده‌های اقتصادی از الگوها استفاده کنند. در اقتصاد برای نشان دادن جریان درآمد و مخارج بین خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی [الگوی ساده‌ای به نام جریان مدور استفاده می‌شود]



جریان مدور اقتصادی شامل چهار بخش زیر است:

عوامل تولید (به بازار عوامل تولید، بازار نهادهای تولید نیز گفته می‌شود)

برای بدست آوردن درآمدی که مصرف کنندگان را قادر به تقاضا برای کالاهای و خدمات تولید شده در جامعه کند یک یا چند عضو از هر خانوار باید منابعی را که در اختیار دارند عرضه کنند این منابع شامل نیروی کار فیزیکی و نیروی کار فکری و دارائیها (به صورتهای مختلف آن) است همچنین

میتوان سازمان دهندگان و یا مدیران را نیز به عنوان بخشی از نیروی کار ماهر به حساب آورد که مانند بقیه نیروی کار خدمت خود را به صورت سازماندهی و تولید ارائه میدهد.

پس میتوان گفت مراحل تولید در اختیار خانوارها است بنگاهها در مقابل در اختیار گرفتن عوامل تولید که از طرف خانوارها گرفته میشود تولید میکند که در ازای این تولید پرداختهای با عنوان درآمد به آنها عرضه میشود این پرداختها بسته به عواملی که در اختیار بنگاهها قرار گرفته، مختلف هستند مثلاً در ازای افرادی که در بنگاهها یا کارخانهای فعالیت میکنند دستمزد پرداخت میشود درازای زمین و ملک یا امثال اینها اجاره پرداخت میشود و درازای منابع مالی سود به خانوارها پرداخت میشود پس به طور کلی منظور از عوامل تولید مدیران و نیروی کار فکری و افراد خانوارها (نیروی کار غیر فکری) و زمین و ملک و ابزارآلات و... را درنظر گرفت.

بنگاه‌های تولیدی

در اقتصاد کوچکترین واحد تولیدکننده را یک بنگاه اقتصادی میگویند.

کالا و خدمات

تولیداتی که با کمک بازار عوامل تولید در بنگاههای اقتصادی انجام گرفته است باید در جایی برای عرضه به مصرف کنندگان خانوارها قرار گیرند این مکان همان بازار کالا و خدمات است پس بنگاهها تولیدات خود را روانه بازار کالا و خدمات میکنند همچنین خانوارها درآمدهایی را که از بنگاهها از طریق فعالیت عوامل تولید در بنگاهها بدست آورده‌اند را در بازار کالا و خدمات خرج میکنند (مخارج) این مخارج دوباره از طریق کالاها و خدمات به بنگلهای اقتصادی انتقال می‌یابد و آنها نیز دوباره تولید میکنند این جریان مدور همینطور ادامه می‌ابد.

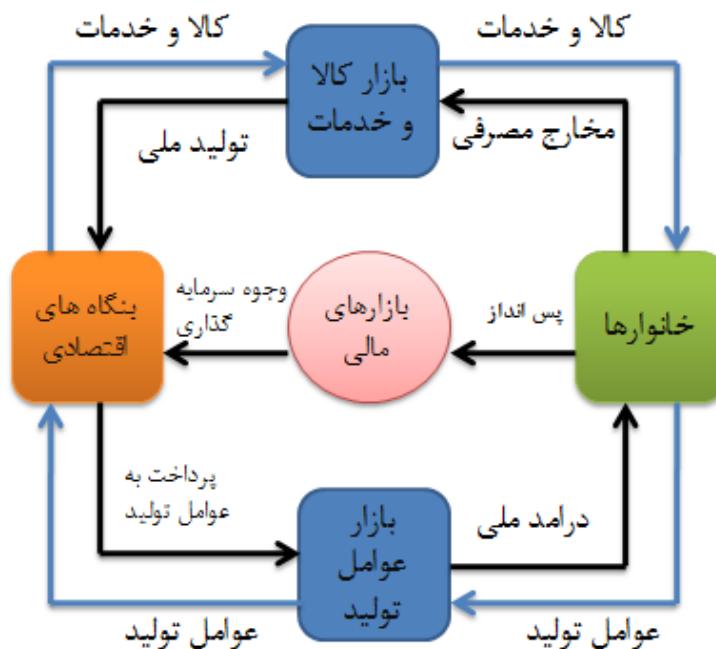
خانواده

کوچکترین واحد مصرف کننده را خانوار می‌نامند. اینکه تمامی افراد یک جامعه جزو خانوارها به حساب می‌آیند زیرا تمامی افراد جامعه مصرف میکنند و بنابر این مصرف کننده محسوب میشوند.

اگر راز و رموزی در مورد معاملگری وجود داشته باشد چیزی نیست به جز اصول زیر:

۱. قادر باشیم بدون ترس یا خودشیفتگی به معامله پردازیم
۲. بازار را آن گونه هست دریابیم نه آنگونه که میخواهیم باشد
۳. قادر باشیم کاملاً در ((جریان لحظه اکنون)) تمرکز کنیم
۴. به طور ناخودآگاه وارد ((زون)) شویم

ادامه جریان یا چرخه اقتصادی (Circular Flow)



خانوارها عوامل تولید خود را در اختیار بنگاه ها قرار میدهند و به ازای آن درآمد کسب شده را به صورت مخارج در بازار کالا و خدمات (بازار تولیدات) خرج یا پس انداز میکنند. عوامل تولید در بنگاهها فعالیت کرده و کالا و خدمات تولید میکنند این کالا و خدمات تولید (تولید ملی) روانه بازارهای کالا و خدمات میشود و کالاها و خدمات تولید شده توسط بنگاهها در نهایت توسط بازار کالا و خدمات به خانواده ها منتقل میشود.

پس بنگاهها با در اختیار گرفتن عوامل تولید از خانوارها هم تولید میکنند (که روانه بازار کالا و خدمات میشوند) و هم درآمد (درآمد ملی) را برای خانوارها ایجاد میکنند و خانوارها نیز درآمد ایجاد شده را با نام مخارج کل در بازار کالاها و خدمات خرج میکنند و این مخارج در واقع دوباره به بنگاهها انتقال می یابد و همواره این جریان ادامه میابد.

نکته ۱: بازار کالا و خدمات بازاری است که تولیدات نهایی در انجا به فروش میرسند.

نکته ۲: بازار عوامل تولید نیز بازاری است که خانوارها عوامل تولید مانند نیروی کار، زمین، ملک و... را در اختیار بنگاه ها قرار میدهند.

نکته ۳: درآمد ملی عبارت است از تمامی درآمدهای بدست آمده به وسیله خانوارها. از جمله دستمزدها و اجاره ها و بهره های دریافتی و سود در طول یکسال است.

نکته ۴: تولید ملی عبارت است از مجموع ارزش پولی تمامی کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد در طول یکسال

ادامه جریان یا چرخه اقتصادی (Circular Flow)

خانوارها از درآمد خود (همان درآمد ملی) به دو طریق استفاده میکنند:

- ۱- مستقیم با نام مخارج مصرفی
- ۲- غیر مستقیم با نام پس انداز

در مورد مخارج مصرفی توضیح دادیم اما پس انداز:

پس انداز خانوارها معمولاً در بازارهای مالی مثل بانک، بورس سهام و صندوقهای بازنشستگی و غیره صورت میگیرد. این پس انداز انجام گرفته خانوارها از طریق وام دادن از طرف بازارهای مالی به بنگاههای مالی صرف سرمایه گذاری خواهد شد.

نکته کلیدی: سرمایه گذاری عبارت است از صرف وجوهی که توسط بنگاهها در بازار کالا و خدمات انجام می شود و شامل سرمایه گذاری ثابت و سرمایه گذاری در موجودی انبارها است.

نکته ۱ : منظور از سرمایه گذاری ثابت، خرید کالاهای سرمایه ای جدیدی است که به وسیله سایر بنگاهها تولید شده است مانند ماشینهای تولید شده ، ساختمانهای ساخته شده و وسائل و تجهیزات اداری.

نکته ۲ : سرمایه گذاری در موجودی انبارها علیوت است از تغییرات در موجودی کالاهای تولید شده و مواد خامی که بنگاهها در انبارهایشان ذخیره میکنند. اگر این موجودیها در حال افزایش باشد سرمایه گذاری در موجودی انبارها مثبت است و اگر در حال کاهش باشند سرمایه گذاری در موجودی انبارها منفی است.

پس منظور از مخارج سرمایه گذاری وجوهی است که صرف خرید کالاهای سرمایه ای می شوند پس در نهایت سپردها منجر میشود بنگاهها وامهایی را که از بانکها دریافت کرده اند صرف خرید از بازار کالا و خدمات که محصولات بنگاههای دیگر را ارائه میکنند بگردند.

یک معاملگر چنین خود را قانع میکند:

-آنچه برای فلانی پیش آمده هرگز برای من اتفاق نمی افت و من از او زرنگ تر هستم!

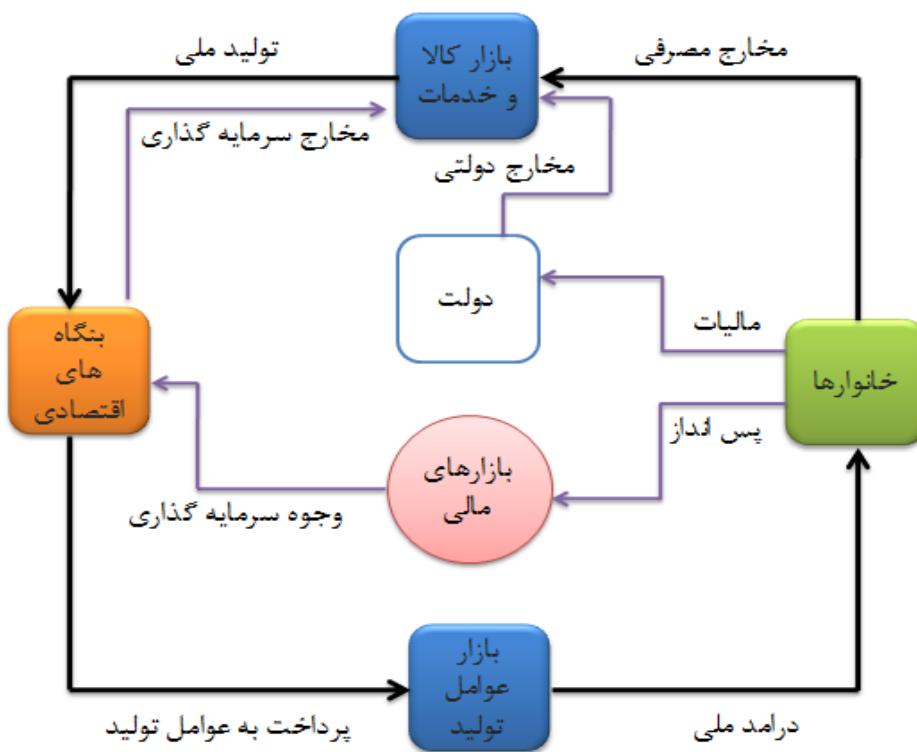
-من هرگز این همه پول از دست نخواهم داد ، آنقدرها هم احمق نیستم!

-تحلیل های تکنیکال و فاندامنتال من بی عیب است!

خود را باهوش فرض کنید تا چنین اتفاقاتی رخ دهد و منجر به ورزشکستگی شوید.

ادامه جریان یا چرخه اقتصادی (Circular Flow)

نقش دولت را در نظر بگیریم و الگویی به شکل زیر داریم.



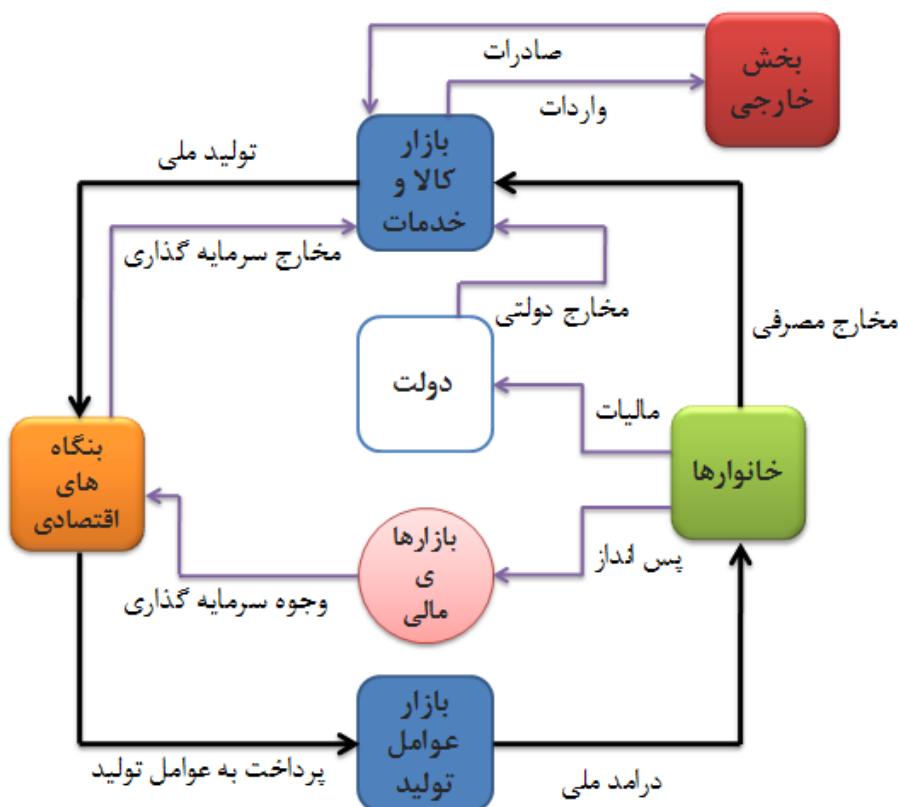
دولت در اقتصاد کشورها وظایف متعددی را انجام میدهد ولی در مدل ما فرض می شود که فقط از خانوارها مالیات دریافت کند و درآمدهای حاصل از جمع آوری مالیات را خرید کالاهای خارجی (مانند آموزش، بهداشت، جاده سازی) از بازار کالا و خدمات میکند که مخارج دولتی نامیده میشود پس همانطور که دیدیم بخشی از درآمد خانوارها صرف مالیات میشود

دولتها نقش های دیگری هم دارند مثلا دولتها از بنگاهها و معاملات در بازارها نیز مالیات دریافت میکنند همین دولت می تواند از بازارهای مالی (بانکها و...) قرض بگیرد و یا قرض بدهد

نکته کلیدی:

اگر دولت بیش از میزان مالیاتهای دریافتی خرید کند با کسری بودجه مواجه میگردد
اگر مالیاتهای خاص بیش از خریدهای دولت باشد، دولت با مازاد بودجه مواجه است.

ادامه جریان یا چرخه اقتصادی (Circular Flow)



الگوی مدور بالا که به الگوی چهاربخشی مشهور است که این حالت که به آن اقتصاد باز میگویند نشان دهنده جریان مدور با وجود بخش خارجی است که یک اقتصاد جامع و کامل را نشان می دهد اقتصاد یک کشور با دیگر کشورها به شکلی با یکدیگر ارتباط دارند
۱- واردات: چون جریان نشان داده شده در شکل زیر فقط جریان وجهه است بنابر این با صادرات وجهه به سمت داخل می یابند و علامت فلش به سمت بیرون است.

۲- صادرات: صادرات دومین وسیله ارتباط اقتصاد داخلی یا اقتصادهای خارجی است وجهه پرداختی توسط خارجیان خریدار کالاهای خارجی (که از بازار کالا و خدمات انجام می شود) به سوی بازارهای تولید داخلی جریان دارد و با صادرات وجهه به سمت داخل می آیند و به همین خاطر جهت فلش به سمت داخل است.

۳- اگر به اندازه ای ارزش واردات ، صادرات کالاها و خدمات انجام نشود قسمتی از واردات باید به صورت اعتباری خریداری شود در چنین حالتی ارتباط سومی بین اقتصاد داخلی و اقتصادهای بیگانه ایجاد خواهد شد این ارتباط جریان وجوه به صورت قرض از خارجیان است که از بخش خارجی به داخل بازارهای مالی وارد خواهد شد به طور معکوس اگر صادرات بیش از واردات باشد جریان وجوه (سرمایه گذارهای بین المللی) از بازارهای مالی داخلی به طرف بخش خارجی خواهد بود.

رابطه بنیادهای اقتصادی و الگوهای اقتصادی

شاخص های اقتصادی که در سایتهای مختلف می بینیم دماستجهای قسمتهای مختلف الگوی بالا هستند

نکته کلیدی: شاخصهای اقتصادی در آخر تاپیک آموزشی به طور مفصل آورده خواهد شد همراه با دسته‌بندی و درجه بندی...

۱- رفتار بنگاههای اقتصادی و بازار کالا و خدمات توسط شاخصهای بخش کارخانه ای و صنعت سنجیده می شوند.

۲- رفتار خانوارها توسط شاخصهای مصرف سنجیده می شوند.

۳- رفتار بازار نهاده های تولید توسط آمار اشتغال و بیکاری سنجیده می شود.

۴- رفتار بخش خارجی به طور کلی توسط نماگرهای تراز پرداختها سنجیده می شود.

۵- رفتار کل اقتصاد و یا سلامت اقتصاد توسط مجموعه نماگرهای مختلف سنجیده می شود.

سایت ها و اداره هایی رو که به انتشار امار اقتصادی هر کشوری میپذازند

۱- اداره امار وزارت بازرگانی ارزهای اصلی

امریکا : www.bea.gov

کانادا : www.statcan.ca

استرالیا : www.abs.gov.au

ژاپن : [Cabinet Office Home Page](http://Cabinet%20Office%20Home%20Page)

سوئیس : [SECO](http://www.seco.admin.ch)

نیوزلند : www.stats.govt.nz

بریتانیا : www.statistics.gov.uk

۲- بانکهای مرکزی

استرالیا : <http://www.oenb.at>

نیوزلند : <http://www.rbnz.govt.nz>

سوئیس : <http://www.snb.ch>

کانادا : <http://www.bankofcanada.ca/en>

ژاپن : [Bank of Japan](http://www.bankofjapan.go.jp)

بریتانیا : <http://www.bankofengland.co.uk>

اهداف اقتصادی

اقتصاد دنان به وسیله ۳ شاخص مهم و اصلی اقتصاد عملکرد کلی آن را مورد بررسی قرار می دهد
این ۳ شاخص عبارت اند از:

- ۱- رشد اقتصادی یا رشد درآمد و تولید ملی
- ۲- نرخ تورم و سطح عمومی قیمت ها
- ۳- نرخ اشتغال و بیکاری

اولین هدف کلان مشخص کننده درآمد سرانه افراد در یک اقتصاد و یا رونق و رکود اقتصادی ، رشد اقتصادی میباشد
نرخ رشد اقتصادی یک کشور از رابطه درصد تغییر در تولید (درآمد) ملی نسبت به سال گذشته به دست می اید.
رشد اقتصادی بالاتر در یک اقتصاد مفاهیم زیادی را می رساند از جمله افزایش تولید کالاها و خدمات ، افزایش درآمدها،افزایش مصرف،کاهش
بیکاری و در نهایت افزایش رفاه اقتصادی.

تورم در محدوده هدف دومین هدفگذاری اقتصادی می باشد آنچه که تورم با رشد اقتصادی و اشتغال کامل رابطه مستقیم دارد ، سیاستگذاران
اقتصادی به دنبال آن هستند که کمترین میزان تورم به ازاری بیشترین رشد اقتصادی ایجاد شود. برای هر کشوری محدوده تورم مناسب متفاوت
است

سومین هدف اقتصادی ، اشتغال کامل است که اغلب کشورها محدوده مناسب نرخ بیکاری ۴ تا ۶ درصد می دانند

سیاست های اقتصادی

استفاده دیگری که از مدار چرخشی می شود برای نشان دادن دوره های کسب و کار و رونق و رکود است. در طول زمان هرچه سرعت گردش کالا و
خدمات در مدار بیشتر شود ، رونق اقتصادی بیشتری شکل میگیرد و بلعکس

نکته کلیدی : جریان دوری (مدار) با وجود تحلیل و تفسیر دوره های اقتصادی و جریان بین خانوار و بنگاه ها و دولت نمیتواند جایگاه قیمت را
نشان دهد.

سیاست های که برای برطرف کردن عدم نعادل مدار اقتصادی ایجاد میشود را سیاست های انساطی و انقباضی میگویند
دولتمردان و سیاست گذاران اقتصادی با شناخت وضعیت و حقایق موجود در زمینه بهبود اقتصاد و راه های برون رفت اقتصاد از کسادی از ابرلهای
مالی و پولی استفاده می کنند.

* سیاست های که از طرف بانک مرکزی به وسیله مجموعه ابزارهایی به مانند جابه جایی میزان پایه پولی ، نرخ بهره یا عملیات بازار باز احجام
میشود را سیاست پولی می نامند

* سیاست های که از طرف دولت از طریق مجموعه ابزارهای مانند کاهش یا افزایش مالیات صورت می پذیرد سیاست مالی می گویند

نکته : سیاست های پولی و مالی معمول هم راستا باید باشند .

نکته کلیدی : اگر سیاست های انساطی طوری باشد که در کمترین زمان روی مدار بهبود ایجاد نکند نه تنها منجر به افزایش پول محلی نمیشود بلکه موجب کمتر شدن ارزش ان پول میشود و بر عکس.

عملیات بازار باز

عملیات بازار باز عبارت از خرید و فروش اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی است.

اگرچه خزانه داری هر کشور مسئول انتشار اوراق قرضه دولتی است اما در موقع ضروری بانک مرکزی با خرید و فروش این اوراق در بازار آزاد روی حجم نقدینگی اثر می گذارد. به این عمل بانک مرکزی عملیات بازار باز گفته میشود.

بانک مرکزی با خرید اوراق قرضه باعث افزایش پول در دست مردم و در نتیجه افزایش حجم نقدینگی میشود و با فروش اوراق قرضه ای که قبلا نگهداری کرده است جریان معکوسی بر حجم نقدینگی می گذارد.

عملیات بازار باز به عنوان ابزاری در جهت کنترل عرضه پول در کشور هایی که از این وسیله استفاده میکنند عامل بسیار مفید و موثری است. زیرا بانک مرکزی از طریق خرید یا فروش اوراق قرضه می تواند سریعا حجم نقدینگی را تغییر دهد

ادامه سیاست های اقتصادی

یکی از فاکتور های کلیدی که روند ارزی را در مقابل ارز دیگر تعیین میکند رشد اقتصادی می باشد.

اقتصادی که رشد اقتصادی در آن دیده میشود، انتظارات در آن اقتصاد برای اینکه بانک مرکزی نرخ بهره را برای رام کردن تورم ناشی از سرمایه گذاری در آن کشور افزایش دهد تقویت می کند.

با افزایش نرخ بهره جریان سرمایه گذاری خارجی در بازار های مالی آن کشور افزایش پیدا میکند افزایش سرمایه گذاری به معنی افزایش تقاضا برای ارز آن کشور می باشد. تقاضای بیشتر برای ارز یک کشور موجب تقویت ارز آن کشور خواهد شد.

بنابراین داریم: افزایش رشد اقتصادی ««افزایش نرخ بهره»» افزایش سرمایه گذاری««افزایش تقاضا برای ارز»» افزایش ارزش ارز

مثال:

یکی از مثالهای خوب برای بیان تاثیر رشد اقتصادی بر روند یک جفت ارز، رشد اقتصادی ایالات متحده و منطقه یورو می باشد

حال به بررسی تولید ناخالص داخلی این ۲ ناحیه می پردازیم، در سال ۲۰۰۵ رشد اقتصادی آمریکا به حدود ۱۳ تریلیون دلار و رشد اقتصادی منطقه یورو به حدود ۱۱ تریلیون دلار رسیدند. در این سال رشد منطقه یورو به طور چشمگیری از ایالات متحده کمتر بود

۱/۵ درصد رشد میانگین در سال، اگرچه ایالات متحده ۲ درصد رشد را به نمایش گذاشت. در نتیجه این مسئله باعث شد جریان سرمایه از اروپا به آمریکا افزایش یابدو جفت ارز eur/usd با کاهشی حدودا ۲۰۰۰ واحدی روبرو گردید.

اما در سال ۲۰۰۶ هر چند که اقتصاد یورو رشد داشت اما رشد اقتصادی در آمریکا به شدت کاهش یافت این مسئله باعث شد در سال ۲۰۰۶ eur/usd حرکت صعودی داشته باشد.

نکات مهم سیاست های اقتصادی

نکته کلیدی: سیاست انساطی برای رشد اقتصادی و اشتغال کامل به اجرا گذاشته میشود و سیاست انقباضی برای مهار تورم اتفاق می افتد

نکته کلیدی: سیاست های مالی و پولی انقباضی اثراتش بسیار زودتر نسبت به سیاست های پولی و مالی انساطی در بازارها میگذارد

نکته کلیدی: از آنجا که در دولت در کشور های صنعتی نقش کوچکی دارد به همین دلیل کمتر از سیاست های مالی (مالیات و مخارج دولت) استفاده می شود و در نتیجه چندان مورد بررسی قرار نمی گیرد.

نکته کلیدی: مهمترین جایگاهی که سیاست های پولی و مالی اثر میگذارد بازارهای مالی می باشد، از آنجا که معاملگران بنیادی به دنبال جهت و روند اصلی در بازار هستند هر دو بعد، مدار اقتصادی و بازارهای مالی برای تعیین اثرات کوتاه مدت و بلند مدت حائز اهمیت هستند

نکته کلیدی: تنها عاملی که میتوان با آن کل مدار اقتصادی را سنجید، تولید ناخالص داخلی می باشد نکته کلیدی: دیدگاه و جریان کلی بازار و مدار اقتصادی به طور ناگهانی دستخوش تغییر نمی شود

مولفه های مهم در اقتصاد و نحوه برقراری تعادل در یک اقتصاد

اقتصاد دنان را با استفاده از ۳ شاخص مهم و اصلی اقتصاد عملکرد کلی آن را مورد سنجش قرار میدهند این ۳ شاخص برجسته عبارت اند از:

۱- رشد اقتصادی یا رشد درامد ملی و تولید ملی

۲- نرخ تورم و سطح عمومی قیمت ها

۳- نرخ اشتغال و بیکاری

رابطه تنگاتنگی بین این ۳ متغیر وجود دارد و در دنیا واقعی با استفاده از آمارهای موجود رابطه نزدیک آنها تایید شده است.

سرمایه گزاران در بازارهای مالی به طور دقیق تورم، بیکاری و تولید ملی را ارزیابی میکنند

یکی از گفتارهای که به طور پیوسته تحلیلگران و سرمایه گزارن را تحت تاثیر قرار می دهد رشد اقتصادی کشورهاست

میزان تغییر در تولید و یا درآمدهای هر کشوری به طور کلی رشد اقتصادی آن کشور را نشان می دهد

از آنجا که تقاضا برای ارز یک کشور تحت تاثیر میزان سرمایه گذاری در آن کشور است و تقاضای موسسات مالی در راستای سرمایه گزاری بسلی

می تواند بر نرخ های مبادله اثر گذار باشد

تعیین میزان تقاضا برای ارز تحت تاثیر میزان رشد درامد و تولید ملی است.

به بیان دیگر: اگر در یک کشور تولید و درآمد به واسطه شرایط مناسب افزایش یابد به طوری که نرخ رشد آن فزاینده باشد تفسیر آن این چنین

خواهد بود که:

سرمایه گذاری گسترش خواهد یافت و بدین ترتیب بازارهای سهام و ارز آن کشور نیز با تقویت روبرو میگردد.

بازداده اقتصاد

* **(Gross National Product)**

تولید ناخالص ملی مجموع ارزش کالاهای خدمات نهایی تولید شده طی یک دوره زمانی مشخص توسط افراد یک کشور می باشد.

شاخص تولید ناخالص ملی و میزان رشد آن نشان دهنده وضعیت کلان اقتصاد است.

نکته کلیدی: در جمله بالا دقت کنید کلمه افراد یک کشور آمده است در واقع تولید ناخالص ملی عملکرد کلی اقتصاد را اندازه گیری میکند و در آن تولیدات و خدمات ایجاد شده توسط افراد یک کشور در هر کجای دنیا که باشند محاسبه میشود

* **(Gross Domestic Product)**

تولید ناخالص داخلی مجموع ارزش کالاهای خدمات تولید شده طی یک دوره مشخص در داخل کشور می باشد.

فرق GDP با GNP در این است که در GNP ملاک ملیت است اما در GDP ملاک سرزمین است.

مثال: ارزش تولیدات عوامل تولید ایرانی در ژاپن در GDP ژاپن و GNP ایران محاسبه می شود.

به طور کلی رابطه این ۲ شاخص به صورت روبرو میباشد: **خالص درآمد تولید از خارج = GDP + تولید ناخالص ملی**

نکته کلیدی: به طور کلی تولید ناخالص داخلی مهمتر از تولید ناخالص ملی است اما بانک های مرکزی به هنگام انتشار تولید ناخالص داخلی اقدام به انتشار آمار تولید ناخالص ملی نیز می نمایند.

"به گفته پروفسور پل ساموئل سون تولید ناخالص داخلی عملکرد کلی اقتصاد را اندازه گیری می کند"

تولید ناخالص داخلی به ۳ روش محاسبه میشود که عبارت اند از:

۱-روش ارزش افزوده

۲-روش مخارج (هزینه)

۳-روش درآمد

از آنجا که نحوه محاسبه آن در راستای کار ما قرار نمیگیرد از توضیح این روش ها خودداری میکنیم.

نکته: به تولید ناخالص داخلی بازداده ملی نیز گفته میشود

GDP از ۴ بخش اصلی تشکیل میشود: **خالص تجاری+مخارج دولتی+مخارج سرمایه گذاری+مخارج مصرفی**

در تعریف فوق دقت کنید که فقط ارزش کالاهای و خدمات نهایی تولید شده محاسبه میشود و ارزش کالاهای و خدمات واسطه ای مورد محاسبه قرار نمی گیرد. زیرا ارزش کالاهای و خدمات واسطه ای در ارزش کالاهای و خدمات نهایی نهفته است.

و در صورت محاسبه آنها دچار محاسبه چند باره(مضاعف) میشود

زیربخش های تولید ناخالص داخلی

$$GDP=C+I+G+(X-M)$$

C= Consumption

I= Investment

G= Government

X=Export

M= Import

تولید ناخالص داخلی = مصرف + سرمایه گذاری + هزینه های دولت + تفاصل صادرات از واردات (تراز بازرگانی)

نکته کلیدی: دوره های تولید ناخالص داخلی فصل به فصل منتشر می شود اما برای دوره های یکساله منتهی منجر به آن فصل مورد محاسبه قرار میگیرد!

صرف Consumption

مهمترین قسمت در تولید ناخالص داخلی قسمت مصرف کالاهای نهایی می باشد حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی برای کشورهای صنعتی مربوط به بخش مصرف می باشد.

اخبار یا شاخص هایی که مرتبط با این بخش باشند عبارتند از نرخ خرده فروشی ، اخبار اطمینان مصرف کننده ، شاخص کالاهای بادوام و غیرو میتواند باشد

خارج سرمایه گذاری Investment

هر جایگاهی که در بازارهای داخلی سودی بابت سرمایه گذاری پرداخت میشود در قسمت مخارج سرمایه گذاری مورد بررسی قرار میگیرد از جله این موارد میتوان به بازدهی یا سود سهام و اوراق قرضه یا بهره بانکی و غیره اشاره کرد در کشورهای صنعتی سهم مخارج سرمایه گذاری از تولید ناخالص داخلی حدود ۱۵٪ است. از جمله اخبارهای مهم این بخش میتوان به خیر خالص جذب سرمایه و یا خروج سرمایه (TIC) به یک کشور اشاره کرد.

هزینه های دولتی Government

خالص درآمدها و هزینه های دولت را در سه بخش زیر محاسبه میکنند
درآمد های دولت شامل مالیات ، منابع طبیعی و استقراض می باشد
هزینه های دولت شامل هزینه ای انتقالی (یارانه ..) ، هزینه های جاری و هزینه های سرمایه گذاری
هزینه های دولتی همچون بخش مخارج سرمایه گذاری بین ۱۵ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص میدهد
خبرار و شاخص های مهم این بخش معمولا در قسمت سیاست های مالی مورد بررسی قرار میگیرد
در هر حال هر خبری که با یکی از شش قسمت بالا در مورد درآمدها یا مخارج دولتی در ارتباط باشد در گزینه های دولتی مورد بررسی قرار میگیرد!

تفاوت خالص صادرات با واردات (Export-Import)

این بخش مقدار خالص پولی (دلاری) مقدار صادرات با واردات یک کشور را مشخص میکند.
اگر مقدار صادرات از واردات در یک کشور بیشتر باشد عدد این بخش مثبت یوده و در نتیجه مقدار این تفاوت به سایر گزینه ها برای بدست آوردن تولید ناخالص داخلی اضافه میشود و برعکس

ادامه زیر بخش های تولید ناخالص داخلی

مبحث تکمیلی تفاوت خالص صادرات با واردات: (Export-Import) تفاوت خالص صادرات و واردات یا همان تراز پرداخت ها از سه بخش مهم تشکیل میشود

Trade Balance: با تراز تجاری تفاوت ارزش پولی کل کالاهای صادر شده یا وارد شده می باشد.

Current Account: یا تراز حساب جاری در کنار تراز تجاری که از تفاوت ارزش پولی کل کالاهای صادرات خدمات و واردات خدمات را نیز مورد محاسبه قرار میگیرد بدین مفهوم که مقدار ارزش پولی کل صادرات کالا و خدمات با هم جمع میشود و اعداد بدست آمده از مجموع این داده ها از یکدیگر کم میشود اگر مقدار ارزش پولی صادرات کالا و خدمات بیشتر از واردات کالا و خدمات باشد تراز حساب جاری مثبت و در غیر اینصورت منفی بدست می اید.

Capital Account: تراز سرمایه از تفاوت مقدار سرمایه گذاری و وام وارد شده به یک کشور و مقدار سرمایه گذاری و وام خارج شده از یک کشور گفته میشود هرچه سرمایه گذاری خارجی در یک کشور بیشتر باشد تراز سرمایه بزرگتر می شود و اگر خروج سرمایه از یک کشور بیشتر باشد تراز سرمایه برای ان کشور منفی بدست می آید

نکته کلیدی: تولید ناخالص داخلی به ارزش دلاری یا پایه پولی اندازه گیری میشود!

نکته کلیدی: مقدار عددی GDP برای یک سال محاسبه میشود ، اما دامنه تغییرات برای هر فصل محاسبه میشود

انواع تولید ناخالص داخلی

۱-تولید ناخالص داخلی اسمی(Nominal GDP)

این گزارش به اندازه گیری تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری کسب درآمد میپردازد(تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار)

۲-تولید ناخالص داخلی واقعی(Real GDP)

این گزارش با اندازه گیری تولید ناخالص داخلی سال های مختلف بر حسب قیمت های مربوط به یک تاریخ خاص که آن را سال پایه می نامند به تعديل تورم میپردازد.

GDP در هر سال به دو دلیل تغییر میکند:

۱- تغییر مقدار فیزیکی Q

۲- تغییرات قیمت P

نکته کلیدی: در بسیاری از تحلیل های اقتصادی کلان GDP اسمی معیار مناسبی نیست.

اگر در ۲ سال پیاپی مقدار فیزیکی تولید ثابت ولی قیمتها افزایش یابند در این صورت GDP اسمی در سال دوم افزایش خواهد یافت در حالیکه تولید واقعی (فیزیکی) بدون تغییر مانده است.

۳-تعدييل کننده توليد ناخالص داخلی(Deflator GDP)

این گزارش از تقسیم تولید ناخالص داخلی اسمی بر تولید ناخالص داخلی واقعی به دست می اید تا به وسیله آن تغییرات قیمت تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار گیرد (در این شاخص تورم لحاظ نشده است)

نکته کلیدی: شاخصهای CPI یا RPI یا HICP برای محاسبه این تغییرات کاربرد دارند که مصرف کنندگان خریداری می کنند را اندازه گیری می کنند.

به عنوان مثال متداولترین معیار نرخ تورم که در بریتانیا مورد استفاده قرار میگیرید عبارت است از درصد افزایش RPI نسبت به ارزش یک سال پیش از آن (اطلاعات بیشتر در بخش تورم).

اما مخارج مصرفی فقط بخشی از GDP را تشکیل می دهد اما GDP مخارج سرمایه گذاری ، دولتی و خالص صادرات را نیز در بر میگیرد! برای تعديل GDP اسمی به واقعی نیازمند به کار گرفتن شاخص هستیم که نشان دهد چه اتفاقی برای همه کالاهای می افتد. برای بیان تعديل کننده قیمت حسب یک شاخص ، نسبت GDP اسمی را در ۱۰۰ ضرب میکنیم

۴-GDP واقعی سرانه(Percapital)

عبارتست از GDP واقعی تقسیم بر کل جمعیت ، در واقع GDP واقعی سرانه، GDP واقعی برای هر نفر است.

با توجه به یک GDP واقعی معلوم ، هر اندازه که جمعیت بیشتر باشد مقدار کالا و خدمات برای هر نفر کمتر خواهد شد

برای بدست آوردن معیار ساده‌ای از سطح زندگی یک نفر در یک کشور خاص بهتر است که به GDP واقعی سرانه، که نسبت به جمعیت تعییل می‌یابد نگاه کنیم.

دوره‌های کسب و کار

دوره‌های کسب و کار به سیکلی گفته می‌شود که در آن شرایط اقتصادی یک کشور از رونق به رکود یا بلعکس تغییر مسیر می‌دهد
نکته کلیدی: این دوره‌ها به ترتیبی است که ما بین آنها دوره‌های دیگری امکان شکل‌گیری دارند مثل دوره بازگشت که مهمترین بخش این دوره‌ها به حساب می‌آید

دوران اقتصادی به چهار دوره تقسیم می‌شود:

رکود اقتصادی: به حالتی که درصد رشد تولید ناخالص داخلی برای دو فصل کاسته شود حتی اگر این مقدار درصد کاسته شده به اعداد منفی نرسد گفته می‌شود

بحran اقتصادی: اگر مقدار تولید ناخالص داخل منفی شود بحران اقتصادی در آن کشور ایجاد شده است

دوران بازگشت: اگر به طور نامنظم مقدار تولید ناخالص داخلی افزایش و یا کاهش داشته باشد به این شرایط دوران بازگشت گفته می‌شود

رونق اقتصادی: مثبت بودن تولید ناخالص داخلی برای چند فصل پی در پی نشان دهنده دوره رونق اقتصادی می‌باشد

تکته کلیدی: در فازهای بُغییر از هر دوره ما یک خلاء داریم، به این معنی که داده‌ها مشخص نیست و برداشت‌ها متفاوتی از اخبار ارائه می‌شود

دوره رکود اقتصادی

در دوره‌های رکود اقتصادی برای اهداف اقتصادی سه اتفاق اقتصادی روی می‌دهد

الف (کاهش رشد اقتصادی که اولین نشانه کاسته شدن رشد اقتصادی را به جلو قرار گرفتن یا نزولی شدن شاخص‌های بورس و بازارهای سرمایه در آن کشور است. به نوعی می‌توان گفت که شاخص‌های بورس نسبت به شرایط اقتصادی مقدم هستندسپس با کاسته شدن داده‌های اقتصادی که به تولید ناخالص داخلی ارتباط دارند ، داده تولید ناخالص داخلی کاسته می‌شود که این کاسته شدن طبعتی به همراه دارد (گزینه‌های بعدی)

ب (کاهش تورم : دومین نشانه رکود اقتصادی کاسته شدن تورم و چه بسا منفی شدن تورم است. به دلیل اینکه در دوران رکود، بحران سرمایه گذاری به وجود می‌آید و از سوی دیگر مقدار مصرف کاسته می‌شود برای فروش بیشتر نرخ عمومی کالاهای کاسته شده می‌شود و در نتیجه تورم از محدوده‌های هدف به پایین تر از سطح انتظار می‌رسد این موضوع به خودی خود به رکود دامن می‌زند و باعث رکود بیشتر می‌شود

ج (افزایش نرخ بیکاری: سومین نشانه هم افزایش نرخ بیکاری و کاسته شدن از افراد شغل است. کاسته شدن شاغلین به رکود بیشتر اقتصادی و معضلات اجتماعی بیشتر می‌شود از همین رو دولت‌ها تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند که حتی با وجود رکود اقتصادی اجازه ندهند رکود به حدی بررسد که بر روی اشتغال تاثیرگذار باشد. محدوده نرخ اشتغال مناسب برای افرادی که توانایی کار را دارند و در محدوده سنی فعالیت مفید هستند ، بین ۴ تا ۶ درصد تعریف می‌شود.

نکته کلیدی: نرخ اشتغال زیر ۴ درصد به دلیل اینکه منجر به محدودیت انتخاب و کمبود نیروی کار در دسترس برای کارآفرینان و کسب و کارهای جدید می‌شود مفید ارزیابی نمی‌شود

در دوره های رکود اتفاق ها و شرایطی که ایجاد می شود بدون توجه به دلیل آغاز رکود نشانه های بالا را به ترتیب در خود نشان می دهد به این معنا که ابتدا رشد اقتصادی و داده های منفی منتشر می شود سپس تورم کاهش پیدا میکند و در نهایت اشتغال به وضعیت نامناسبی گرایش پیدا میکند.

نکته کلیدی: مهمترین خصوصیت دوره رکود کمتر بودن درصد رشد اقتصادی نسبت به مقدار تورم هست

نکته کلیدی: مهمترین سیاست اجرایی در این دوره سیاست های انساطی(تسهیلی) پولی و مالی برای خارج شدن از رکود میباشد

دوره رونق اقتصادی

در نقطه مقابل رکود و بحران اقتصادی دوره های رونق و بهبود شرایط اقتصادی را شاهد هستیم در دوره رونق شرایط به ترتیبی پیش می رود که مهمترین نگرانی سیاست گذاران مهار تورم می شود (سیاست های انقباضی اجرا می شود)

در این دوره ها سه اتفاق معکوس روی می دهد:

(الف) افزایش رشد اقتصادی: در دوره های بهبود داده های اقتصادی که با رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارند به صورت پشت سر هم شروع به بهبود میکنند و همگی این داده ها رو به بهبود قرار میگیرند اگر در این دوره یکی از بخش های گزارش های اقتصادی که با داده های کلان اقتصادی رابطه مستقیم دارد بهبود حاصل نکند آن داده میتواند به عنوان نشانه ای از فراگیر نبودن رشد اقتصادی اخطار دهد فراغیر نبودن رشد اقتصادی یا منجر به رکود میشود یا سیاست گذاران اقتصادی تلاش می کنند با برطرف کردن مشکل در بخش هایی که داده های ضعیف دارند به رشد اقتصادی فراگیر دست پیدا کنند.

مثال: در سال ۲۰۰۷ ایالات متحده مشاهده کردیم که با ضعیف بودن داده های بخش مسکن و ساخت و ساز داده های این منجر به شرایط بحرانی در بخش اعتبارات و ورشکست شدن بانک ها شد و نتیجه ای جز رکود اقتصادی به همراه نداشت

(ب) بالا رفتن مقدار تورم از دیگر نشانه های رونق اقتصادی است زمانی که صحبت از بالا رفتن تورم به عنوان یکی از مؤلفه های رشد اقتصادی می کنیم منظور بالا رفتن تورم در محدوده اهداف اقتصادی است توجه شود زمانی که صحبت از تورم می شود تورم همراه با رشد اقتصادی مد نظر است. به همین دلیل است که در دوره های رشد اقتصادی به دنبال مهار تورم می روند تا با ثابت ماندن تورم و بالا نگه داشتن رشد اقتصادی بیشترین مقدار رفاه اجتماعی و اقتصادی ایجاد شود

(ج) سومین مؤلفه رشد اقتصادی پایین آمدن نرخ بیکاری است با اینکه هدف این هست که نرخ بیکاری در کشورهای صنعتی و پیشرفته به ۴ تا ۶ درصد برسد بر اساس زیر ساخت ها، شرایط و کشش اقتصادی حداقل نرخ بیکاری در بسیاری کشورها بالاتر از این مقدار است

در صورت پایین امدن نرخ بیکاری از دو جنبه رشد اقتصادی افزایش پیدا میکند

- ۱- با بالا رفتن نرخ اشتغال میزان دریافتی و درآمدهای فردی افزایش پیدا میکند در نتیجه میزان مصرف بالا می رود
- ۲- پرداخت مالیات و پس انداز باعث میشود که اشتغال بالاتر به سرمایه گذاری و هزینه های دولتی اضافه شود

برای تقویت یک ارز بر اساس تولید ناخالص داخلی باید سیکل زیر اتفاق بیافتد:

تولید ناخالص افزایش پیدا کند
تورم داخلی افزایش یابد
اشغال کامل محقق شود
نرخ بهره بانکی بیشتر شود
و در نهایت ارز پول بشدت تقویت میشود.

نکته کلیدی: از این سه هدف میتوان اینگونه برداشت کرد که هر چه اندازه GDP خالص یک کشور نسب به نرخ تورم بزرگتر باشد نرخ ارز آن کشور تقویت میشود و هرچه مقدار تورم از تولید ناخالص داخلی بزرگتر باشد نرخ ارز آن کشور گرایش بیشتری به تضعیف پیدا میکند زیرا اگر GDP از تورم کمتر بود به این معنا است که قدرت خرید مردم پایین امده است.

نکته کلیدی: اگر تفاضل تولید ناخالص داخلی از تورم در کشوری خاص در دوره زمانی جدید انتشار گزارش اقتصادی نسبت به دوره قبل جایه جا شود به ازای هر یک درصد جایی مثبت، انتظار میرود حداقل سه درصد و به طور میانگین پنج درصد نرخ ارز آن کشور تقویت شود و بلعکس

نکته کلیدی: زمانی که صحبت از کاهش نرخ ارز آن کشور به میان می آید بدین معنی است که شاخص آن ارز کاهش ارزش پیدا میکند و در صورتی که آن ارز شاخص نداشته باشد نرخ برابری آن ارز در برابر دلار به مقدار درصد اشاره شده افزایش یا کاهش ارزش پیدا میکنند سوی دیگر باید توجه داشت که این کاهش یا افزایش فقط برای یک ارز از جفت ارز مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته است و در سوی دیگر اگر ارز دوم نیز تقویت یا تضعیف را نشان دهد و گزارش های اقتصادی تولید ناخالص داخلی و تورم هر دو ارز تقویت یا هر دو تضعیف را نشان دهند اثر جایه جایی نرخ ارز خنثی می شود و آن جفت ارز دوره ای رو به جلو را برای نرخ برابر نمایش می دهد

نکته کلیدی: دوره رونق ۸ تا ۵ سال و دوره رکود و بحران ۲ تا ۳ سال طول میکشد که هنر بانک مرکزی اینست دوره رونق را طولانی و دوره رکود و بحران را کوتاه کند.

نکته کلیدی: داده های تولید ناخالص داخلی به صورت فصلی منتشر میشود این داده سه بار در طول فصل بر اساس شرایط مختلف منتشر می شود. در هفته چهارم فصل جدید میلادی داده ادونس منتشر میشود که اهمیت بیشتری نسبت به دو داده بعدی برخوردار است. داده های بعدی به ترتیب Prelim، Final منتشر میشود که به بازنگری و اصلاح داده اولیه تولید ناخالص داخلی اشاره میکند با این حال به دلیل اینکه قسمت عمده ای از داده های اولیه تغییری پیدا نمیکنند و داده های کلیدی سازنده تولید ناخالص داخلی به شکل ثابت باقی میمانند برای معاملگران همان داده اولیه (Advanced GDP) حائز اهمیت میباشد.

وظایف معاملگران بازار ارز نسبت به داده تولید ناخالص داخلی GDP

۱- برآورد یا پیش بینی تولید ناخالص داخلی برای دوره فصلی پیش رو و چشم انداز این داده در سال پیش رو مهمترین قسمت در برآورد تولید ناخالص داخلی بخش مصرف و داده های مربوط به این بخش میباشد با بالا رفتن داده های مربوط به مصرف انتظار می رود تولید ناخالص داخلی نیز افزایش پیدا کند و با کاهش داده های مربوط به مصرف، انتظار کاهش تولید ناخالص داخلی میرود اولویت ها:

الف - در بخش مصرف به شاخص قیمت مصرف CPI و شاخص اطمینان مصرف کننده مراجعه شود.

ب - در بخش سرمایه گذاری به شاخص های بخش مسکن نگاه شود.

ج - در بخش بودجه به شاخص بودجه توجه شود.

د - در بخش صادرات و واردات به تراز بازرگانی مراجعه شود

نکته کلیدی: مهمترین داده که حکم پیش رو را در داده های دیگر دارد بازار مسکن و اخبار مربوط به آن استمی توان گفت گزارش های اقتصادی مربوط به بازار مسکن نسبت به تولید ناخالص داخلی بین سه تا شش ماه جلوتر میباشد به همین دلیل از روی داده های مسکن می توان به جسم انداز و دید کلی نسبت به دوره های پیش رو برای تولید ناخالص داخلی دست پیدا کرد

۲- بررسی اثر رشد اقتصادی بر سیاست های مالی و پولی چگونه است

در دوران گذراز تورم به رکود یا رکود به رونق به ترتیب هدف های اقتصادی رشد تولید ناخالص داخلی ، تورم و نرخ بیکاری جایه جا میشود

نکته کلیدی: در دوران رکود و بحران اقتصادی داده ها و اخبار سیاست های پولی و مالی حائز اهمیت می شوند برای بازار ارز و در زمان بازگشت از رکود به رونق و یا در دوره های رونق اخبار ، گزارش ها و داده های اقتصادی به عنوان اولویت بازار ارز شناخته میشوند

۳- اثر تغییر تولید ناخالص داخلی بر روى تورم و چرخه های کسب و کار

تولید ناخالص داخلی با تورم رابطه مستقیم دارد با افزایش رشد اقتصادی تورم نیز افزایش پیدا میکند و با کاهش رشد اقتصادی ، تورم کاهش پیدا میکند.

نکته کلیدی: به دوره های می توان اشاره کرد که رشد اقتصادی با تورم با یکدیگر در یک جهت حرکت نداشته اند اما اغلب این همبستگی وجود دارد. به دوره ای که رشد اقتصادی در حال کاهش و رود باشد و تورم نیز در حال بالا رفتن و خلچ شدن از محدوده هدف بانک مرکزی باشد دوره " رکود تورمی " می گویند. دوره های رکود تورمی به دو دلیل عمدۀ به وجود می آیند: اول اینکه قیمت مواد اولیه (خصوصاً انرژی) در دوره رکود افزایش پیدا کرده باشد دوم اینکه هزینه های دولتی بیشتر از درآمدهای دولتی باشد و انسیط مالی در اقتصاد یک کشور می تواند منجر به تورم شود که اگر همزمان با دوره رکود باشد خروج از این دوره را با مشکل بزرگتری روبرو میکند در نقطه مقابل رکود تورمی دوره رونق بدون تورم را شاهد هستیم این دوره معمولاً بسیار کوتاه است اما به وسیله راهکارهایی مانند رشد فناوری ، بهبود بهره وری و افزایش تخصص گرایی به علاوه به کارگیری سرمایه افزوده شده توسط سیاست های انسیطی در بخش تولید سیاست گذاران اقتصادی این دوره را طولانی می کنند. مانع که رشد اقتصادی وجود دارد اما تورم پایین تر از محدوده هدف و کوچکتر از رشد اقتصادی لست این موضوع رفاه اقتصادی را در آن کشور به همراه دارد

نکته کلیدی: مفهومی در شرایط اقتصادی با نام درآمد سرانه وجود دارد (که در [اینجا](#) اشاراتی شد) بدین معنا که با تقسیم مقدار دلاری کل مبلغ تولید ناخالص داخلی بخش بر جمعیت آن کشور مقایه متوسط درآمد هر شهروند آن کشور به دست می آید حال هرچه تولید ناخالص داخلی بالاتر برود از آنچه که درآمد سرانه افراد افزایش پیدا میکند ولی مقدار تورم یا ثابت باقی مانده یا کمتر از مقدار رشد تولید ناخالص داخلی باشد در این صورت با بالا رفتن درآمد افراد میزان هزینه های افراد افزایش پیدا میکند ، قسمتی از این افزایش هزینه منجر به ورود کالاهای جدید و یا تمایل به خرید کالاهای وارداتی بیشتر روی می دهد و قسمت دیگری از این افزایش درآمد منجر به پس انداز و سرمایه گذاری میشود که در صورت سرمایه گذاری غیر مستقیم در خارج از مرزهای آن کشور تبدیل ارز صورت گرفته است به همین دلیل است که در این دوره نرخ از تمایل شدیدی برای تقویت نشان می دهد.

۴- تاثیر تغییرات تولید ناخالص داخلی بر روی روند عرضه و تقاضای دارایی های مالی از جمله بازار سهام ، اوراق قرضه و بازار پول

تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی رابطه مستقیم با بازار سرمایه (بورس) دارد یعنی با افزایش GDP بازار سهام رشد میکند (چون دارایی پر ریسک است ، رونق) بازار اوراق قرضه افول میکند (دارایی ایمن محسوب میشود) بازار کالا CRB رونق میابد، این رابطه در دوره های تورمی و

رکود به ترتیبی است که معمولاً ابتدا بازار بورس نسبت به رکود عکس العمل نشان می‌دهد و رشد آن متوقف می‌شود و سپس تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا می‌کند و دوره رکود یا بحران اقتصادی به وجود می‌آید به همین خاطر بازار بورس را دما سنج اقتصادی می‌نامند و ماهیت حضور سرمایه، بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و قرار داشتن تحلیلگران حرفه‌ای شرایطی را ایجاب می‌کند که بازار بورس اگر نسبت به شرایط اقتصادی و چشم انداز بازار جلوتر نباشد با اطمینان میتوان گفت عقب تر نیست.

تورم (Inflation)

از نظر علم اقتصاد تورم اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت‌های آن است و به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود.

تورم به دلایل متفاوتی میتواند ایجاد شود اما مهمترین دلایل آن عبارتند از:

۱- افزایش تقاضای کل نسبت به عرضه (تورم تقاضا)

از آنجا که در اغلب بازارها بخش تؤاضا از اهمیت بیشتری نسبت به بخش عرضه برخوردار است اگر سطح دسترسی به پول یا پایه پولی افزایش پیدا کند بابت اینکه "پول" به عنوان یک کالا در نظر گرفته می‌شود با افزایش سطح پولی از ارزش پول به عنوان یک کالا کاسته می‌شود و تقاضا برای کالاها و خدمات دیگر نسبت به عرضه بیشتر می‌شود.

در نتیجه دو دلیل تورم تقاضا: ۱- رشد فزاینده عرضه پول - ۲- به سبب رشد یکی از مولفه‌های تولید ملی

۲- تورم هزینه

این تورم مربوط به بخش عرضه کننده است و معمولاً بابت افزایش سطح قیمت کالاهای اولیه به وجود می‌آید قسمت عمده تورم هزینه بابت افزایش قیمت کالاهای اولیه در سطح جهانی ایجاد می‌شود

به زبانی دیگر عواملی که ناشی از رشد قیمت نهاده‌های تولید است موجب افزایش نرخ‌ها در بازار عوامل تولید می‌گردد و فشار هزینه هابه بنگاه‌های اقتصادی وارد می‌شود، رکود تورمی (Stagflation) از نتایج حاصل از این نوع تورم می‌باشد

۳- چسبندگی قیمت‌ها

این تورم نیز بابت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به کالاهای دیگر به وجود آمده است و می‌تواند مربوط به هر دو بخش عرضه و تقاضا باشد این بدان معفهوم است که هنگامی که یکی از بخش‌های اقتصاد با افزایش قیمت‌ها روبرو شود، ممکن است به دیگر بخش‌های جامعه فشار تورمی را وارد نماید مانند هزینه بنزین و کرایه ماشین‌ها...

۴- تورم ناشی از کارکرد‌های اقتصادی

این تورم بابت افزایش تقاضای کل و عرضه کل به وجود می‌آید. این تورم تا محدوده هدف بانک مرکزی نه تنها برای اقتصاد ان کشور مشکلی ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود و در عین حال افزایش رفاه عمومی را به همراه داشته باشد

تورم از دیدگاه میزان شدت به سه بخش تقسیم می‌شود

۱. تورم خزنه: نرخ تورم در اینگونه کشورها زیر ۱۰ درصد است.
۲. تورم شدید (افسار گسیخته): نرخ تورم بین ۱۰ تا ۲۵ درصد است.
۳. تورم افراطی: در کشورهای که نظام اقتصادی بی ثباتی دارند دیده می‌شود.

انواع تورم

۱. تورم داخلی : معمولاً بانک مرکزی منتشر میکند و تورم داخل مرزهای یک کشور نامگذاری میشود
۲. تورم کالاهای جهانی: افزایش تقاضا در سطح بین المللی منجر به افزایش قیمت کالاهای میشود.

نکته کلیدی : تورم جهانی میتواند روی تورم داخلی اثر بگذارد ولی عکس این قضیه صادق نیست (به استثنای ایالات متحده آمریکا)

نکته کلیدی : تورم کالاهای جهانی منجر به افزایش ارزهای پر بازده و کاهش ارزش در ارز های کم بازده میشود و بلعکس.

رابطه تورم و رشد اقتصادی

در پست های گذشته اشاره کردیم تغییرات تولید ناخالص داخلی با سطح عمومی قیمت ها و تورم رابطه مستقیم دارد.
بهترین کارکرد برای اقتصاد زمانی است که مقدار تورم از تولید ناخالص داخلی کوچکتر باشد به شرط آنکه مقدار تورم منفی نباشد

نکته کلیدی: هر چقدر فاصله بین تورم و رشد اقتصادی بیشتر باشد این موضوع منجر به تضعیف ارز محلی می شود و هرچه تورم از رشد اقتصادی کوچکتر باشد این موضوع منجر به رشد ارز آن کشور می شود.

با بوجود آمدن تورم دارای هدف مناسب می توان فهمید که اقتصاد آن کشور در حال رشد است

نکته کلیدی: داده های تورمی در دوره های چرخش بازار از رونق به رکود و رکود به رونق اهمیت بیشتری پیدا می کنند در بین این دو حالت داده های تورمی در دوره رونق به رکود ارزش و اهمیت بیشتری دارد

معمول وقته هدف اقتصادی در کنار هم برای رشد اقتصادی ، اشتغال کامل و تورم بالاتاز محدوده هدف بانک مرکزی وجود داشته باشد. دولت و بانک مرکزی سیاست های انقباضی را دنبال خواهند کرد و اگر تورم به کوچکتر از یک درصد برسد و یا رکود اقتصادی داشته باشد سیاست هی انساطی دنبال می شود

نمونه هایی از سیاست های اقتصادی دولت و بانک مرکزی را نسبت ها فراش یا کاهش تورم :

* **افزایش تورم** > سیاست انقباضی > سیاست مالی همچون افزایش مالیات و کاهش یارانه ، سیاست پولی مانند افزایش نرخ بهره، فروش اوراق قرضه

* **کاهش تورم** > سیاست انساطی > سیاست مالی همچون سرمایه گذاری های جدید دولتی و افزایش یارانه ، سیاست پولی مانند کاهش نرخ بهره باز خرید اوراق قرضه

نکته کلیدی: برحسب اینکه سیاست های انقباضی و انساطی توسط بانک مرکزی یا دولت نسبت به افزایش یا کاهش تورم ایجاد نشود سرمایه گذاران و بازارها به سمتی حرکت میکنند که با افزایش تورم تقاضا برای دارایی پر ریسک و عرضه برای دارایی کم ریسک ایجاد شود و با کاهش تورم عرضه برای دارایی پر ریسک و تقاضا برای دارایی کم ریسک ایجاد شود

تورم از دیدگاه شاخص دلار

- قیمت دلار به صورت ذاتی از ارزهای زیر بدست می آید:
- ۱- یورو $\% ۵۷$
 - ۲- بین ژاپن $\% ۱۳.۶$
 - ۳- پوند انگلستان $\% ۱۱.۹$
 - ۴- فرانک سوئیس $\% ۳.۶$
 - ۵- دلار کانادا $\% ۹.۱$
 - ۶- کرون سوئد $\% ۴.۲$

با افزایش تورم شاخص دلار کاهش و با کاهش تورم شاخص دلار افزایش پیدا می کند.

تورم در سطح جهانی

برای شناسایی تورم در سطح جهانی از شاخصی که عمومیت بیشتری نزد معامله گران و تحلیلگران و با نام CRB "Commodity Research Bureau" شناخته می شود استفاده می شود.

نکته کلیدی: شاخص های دیگری همچون IOC که از طرف وزارت بازرگانی ایالات متحده منتشر میشود هم میتوان بهره بردا

شاخص CRB تشکیل شده از کالاهای اولیه مهمی است که بیشترین عرضه و تقاضا را در سطح جهانی دارا می باشد. کالاهای تشکیل دهنده این شاخص برای قراردادهای آینده عبارتند از: قهوه، مس، ذرت، پنبه، نفت خام، طلا، نفت کوره، خوک، الوار، گاو، کاکائو، آب پرتقال، جو، پلاتینیوم، نقره، گوشت، بوفا، بلغور سویا، شکر، گندم

این کالاهای در سطح جهانی تورم را با شاخص CRB مشخص میکنند.
برای دسترسی به شاخص CRB میتوانید از سایت های روبرو استفاده کنید www.ino.com ، www.CRBTrader.com

با وجود اینکه شاخص CRB برای تحلیل شرایط تورم در سطح جهانی، جامع و مناسب است با این توصیه میکنیم برای تحلیل شرایط تورمی در سطح جهان از قیمت نفت استفاده کنید به دلیل اینکه قیمت نفت نسبت به سایر کالاهای جهانی حالت پیشرو و مقدم را دارا می باشد و در عین حال راحت تر از شاخص فوق در دسترس است و تحلیل ها، گزارش های بیشتری در مورد آن منتشر می شود بر شاخص CRB ارجحیت دارد

تفسیر: در رابطه با CRB و نرخ ارز ها میتوان اینگونه تفسیر کرد که با بالا رفتن شاخص CRB (قیمت نفت) می توان انتظار داشت ارزش دارایی های بر ریسک و ارز های پر ریسک افزایش پیدا کند و ارزش ارز ها و دارایی های کم ریسک کاسته می شود در نقطه مقابل با کاهش ارزش شاخص CRB یا نرخ نفت، ارزش دارایی های پر ریسک و ارز های پر بازده کاسته می شود و ارزش ارز ها و دارایی های کم ریسک افزایش پیدا می کند.

نکته: برای تحلیل نفت علاوه بر گزارش ها و تحلیل های اقتصادی همچنان میتوانید بازدهی و تکنیکال پیاده کنید

بعد از بررسی تورم در بخش جهانی که یکی از دلایل ایجاد تورم در سطح کشورها است به تعاریف و مفاهیم تورم در داخل هر کشور اشاره میکنیم

تورم در داخل اقتصاد هر کشور می تواند به دلایل گوناگون ایجاد شود اما آنچه که گزارش ها بر اساس تعریف ابتدای این درس در مورد تورم داخلی اشاره می کند به دو قسمت تورم در بخش تولید کننده و تورم در بخش مصرف کننده تقسیم بندی میشود.

شاخص قیمت تولید کننده Producer Price Index

شاخص قیمت تولید کننده تورم در بخش بنگاه های اقتصادی را نشان می دهد
مهمترین علت تورم در بخش بنگاه ها افزایش قیمت مواد اولیه و انرژی می باشد.

اگر مقدار تورم در بخش تولید کننده و خدمات (PPI) زیر عدد یک یا منفی اعلام شود به دلیل ایجاد رکودی که از این تورم نتیجه گیری می شود تضعیف ارز آن کشور مورد انتظار است.

اگر میزان تورم در بخش تولید کننده بین یک درصد تا نزخ هدف بانک مرکزی باشد انتظار می رود ارز آن کشو به دلیل رشد اقتصادی که از این مقدار تورم نتیجه گیری می شود و اگر نزخ تورم در بخش تولید کننده بزرگتر از یک درصد از نزخ ارز هدف بانک مرکزی اعلام شود به دلیل خارج شدن تورم از نزخ هدف بانک مرکزی تضعیف ارز آن کشور مورد انتظار است

نکته کلیدی: محدوده تورم انتظاری برای بانک مرکزی باید از گزارش های آنها استخراج کرد ، مثلا انگلستان ۲ درصد هست ، ژاپن که ۲۰ سال تورم منفی و زیر یک درصد داشته و قبل محدوده هدف تورمی خاصی نداشته روی ۲ درصد آورده است ، ایالت متحده بین ۱.۵ تا ۳ درصد می باشد که در حال حاضر تا نزخ محدود نظر اشتغال (۶.۵ %) به محدوده ۲.۵ % آورده است.

شاخص قیمت مصرف کننده Consumer Price Index

مهمترین قسمت برای تحلیل تورم نسبت به بازار ارز تورم در بخش مصرف کننده است.

شاخص قیمت مصرف کننده نشان دهنده میزان تورم در بخش مصرف است و مهمترین کالاهای خدمات مورد نیاز خانوار را مورد بررسی قرار می دهد.

کالاهای خدمات تشکیل دهنده این شاخص در ایالات متحده به شیوه زیر محاسبه قرار می گیرد

مسکن ۳۸٪ ، خوراک ۱۹٪ ، سوخت و انرژی ۸٪ ، بهداشت درمان ۸٪ ، آموزش ۷٪ ، حمل و نقل و اتومبیل ۷٪ ،
پوشاس ۶٪ ، اثاثیه ۴٪ ، متفرقه ۳٪

از آنجا که تورم تأثیر بسیار زیادی در تصمیم گیری سیاست های انقباضی و انبساطی دولت ها دارد می توان رابطه تورم در بخش های مختلف و سیاست های بانک مرکزی و دولت اینگونه بررسی کرد:

1- در صورتی که شاخص CRB و قیمت کالاهای اولیه در سطح جهانی و به طور خاص قیمت نفت افزایش پیدا کند این افزایش منجر به بالا رفتن شاخص تورم در بخش تولید کننده می شود و بالا رفتن شاخص تورم در بخش تولید کننده منجر به بالا رفتن تورم در بخش مصرف کننده می

شود و اگر مقدار تورم بالاتر از شاخص تولید ناخالص داخلی برسد اولویت بانک مرکزی و دولت سیاست های انساطی می شود

2- در نقطه مقابل با کاهش شاخص CRB و قیمت نفت در سطح جهانی انتظار می رود شاخص قیمت تولید کننده که به انرژی مواد اولیه وابستگی دارد کاهش پیدا کند و بر اساس کاهش شاخص قیمت تولید کننده شاخص قیمت مصرف کننده نزولی شود در این شرایط دولت و بانک مرکزی به سمت سیاست های انساطی می روند تا بتوانند رکود ایجاد شده از کاهش تولید ناخالص داخلی که بر روی تورم اثر منفی گذاشته است را برطرف کنند.

شاخص CPI در ایالات متحده ماهی یکبار و بین ۱۰ تا ۱۵ میلادی و شاخص PPI ماهی یکبار بین ۱۰ تا ۱۲ ماه میلادی منتشر میشود.
نکته: دقت داشته باشید به همراه شاخص CPI داده ای به نام Core CPI منتشر می شود که در واقع همان شاخص CPI است با این تفاوت که اعداد قسمت های انرژی و خوراک در داخل آن آورده نشده است.

چگونگی استفاده از شاخص های تورمی

1- بررسی تورم و تغییرات آن و اثراش بر روی دیگر بازارها

2- هدف های بانک مرکزی از مقدار تورم و میزان انحراف یا جایی تورم نسبت به شاخص قیمت مصرف کننده برای بانک مرکزی

3- سیاست های انساطی یا انقباضی بانک مرکزی نسبت به تورم

تأثیر دوره های رکود و رونق بر دارایی های مختلف

حال که با دوره های رونق و رکود و شاخص های تورمی که بر روی نرخ ارز تأثیرگذار هستند آشنا شدید در این بخش به بررسی شرایط تأثیرگلری دوره های رونق و رکود بر ارزش دارایی های مختلف می پردازیم.

از آنجا که سود و ارزش افزوده هر دارایی در دوره های رونق و رکود تفاوت دارد میزان عرضه و تقاضای دارایی های گوناگون در این دوره ها متفاوت است.

در چهار دوره ای که برای رونق و رکود از روی تولید ناخالص داخلی بدست می آید ارزش هر دارایی مطابق جدول زیر تمایل به حرکت دارد.

نکته کلیدی: این جدول الزامی نیست و متغیرهای گوناگون دیگری مانند نرخ بهره، تراز پرداخت ها، تورم، اشتغال و غیره نیز بر این جدول اثرگذار است.

فلزات گرانیها مانند: طلا...	دارایی کم ریسک مانند: دلار آمریکا...	دارایی پر ریسک مانند: دلار استرالیا...	
↗	↗↗	لا لا	دوره رکود و بحران
↖	↖	↗	دوره بازگشت رکود به رونق
↙	↙ نرخ بهره سعودی	↗	دوره رونق
↗ نرخ بهره نزولی	↗ نرخ بهره نزولی	لا لا	دوره تورمی
↗↗	لا لا	↗	

دوره رکود و بحران: در دوره رکود و بحران مهمترین مساله ای که سرمایه گذاران به دنبال آن هستند امنیت سرمایه و حفظ ارزش دارایی است از این رو تقاضا برای دارایی های به وجود می آید که این هستند و کم ریسک، این دارایی ها بر حسب اینکه میزان عرضه آنها در این دوره ثابت است ما مقدار تقاضا برای آنها بر حسب ماهیتشان به شدت افزایش پیدا می کند و به شدت تقویت می شوند این افزایش تقاضا بدین دلیل است که در این دوره بازدهی و سود دارایی مهم نیست و از آنجا که دارایی های پر ریسک و پر سود در این دوره به فروش می رسند رویکرد خرید و قلعها

برای دارایی هایی که ماهیت حفظ ارزش را دارند بالا می رود.

نکته کلیدی: فلزات گرانبها به دلیل رابطه ای که با کالاها (دارایی پر ریسک) دارند مقدار تقاضای شان کمتر از ارز های کم بازده می باشد و اینکه در این دوران کار کرد جایگزینی دلار و طلا چندان وجود ندارد (هر دو عرضه یا تقاضا میشوند)

دوره بازگشت : در این دوران به دلیل اینکه هنوز ترس از رکود وجود دارد تقاضای شدید و قوی برای دارایی های پر ریسک در بازار بوجود نمی آید ولی از آنجا که دوره پیش رو دوره رونق و بهبود است دارایی اینم تا حدودی عرضه می شود و به عنوان جایگزین دارایی پر ریسک تقاضا می شود

نکته کلیدی : هرگاه داده ها مطابق جدول بالا نبود ما در فاز تغییر دو دوران هستیم

دوره رونق : در این دوره بابت بهبود شرایط کسب و کار و افزایش همزمان بهره و بازدهی ، دارایی که بهره و سود بیشتری داشته باشند تقاضا می شوند و دارایی هایی که بهره اندکی را داشته باشند عرضه می شوند. مهمترین خصوصیت این دوره صعودی شدن بازارهای سهام و کالاها اولیه می باشد .

نکته کلیدی: در شرایطی که تولید ناخالص داخلی یک کشور به بالاتر از مقدار دوران تورمی قبل از رکود برسد به لحاظ عددی می توان اطمینان داشت که رکود پایان پذیرفته است.

دوران تورمی: شرایطی را دارد که تورم به بیشترین مقدار خود می رسد مخصوصا برای کالاها پایه ای و در این صورت ارز های پر ریسک و سهام به خاطر ترس از رکود بعد از تورم تقاضای زیادی نخواهد داشت. دارایی های اینم مخصوصا دلار وین ژاپن در این دوره به دلیل افزایش قیمت کالاها و خاصیت ضد تورمی به شدت عرضه می شود و طلا به خاطر ماهیت عرضه کمتر نسبت به تقاضا ، افزایش ارزش پیدا میکند

نکته کلیدی: هرگاه برای دلار پیش بینی انجام شد می بايست به تاییدیه این پیش بینی در بازارهای دیگر دلایل همگرا بر اساس جدول وجود داشته باشد.

نرخ بهره Interest Rate

در مراحل اولیه تاپیک اشاره کردیم که دو دلیل عمدہ برای عرضه و تقاضا هر ارز وجود دارد که عبارتند از:

1- تقاضای تجاری : به جایی نرخ ارز به دلیل جایی کالا و خدمات اشاره میشود

2- الف: بازدهی: بیان می کند که تغییرات قیمت در یک دوره زمانی مشخص چه مقدار بوده است

ب: بهره: سودی که بابت سرمایه گذاری ارائه و دریافت می شود بهره می نامند

نکته کلیدی: از آنجا که امروز مقدار جایی ارز ها بزرگتر از 01 برابر مقدار جایی کالا و خدمات در سطح جهانی است این موضوع نشان می دهد دلیل عرضه و تقاضا به خاطر دلایل تجاری نقشی کمتر از دلیل بازدهی و بهره دارد

تعريف نرخ بهره

نرخ بهره از دیدگاه های مختلف تعاریف متفاوتی دارد ولی در کل یک تعریف واحد برای آن در نظر گرفته میشود مهمترین تعاریفی که برای نرخ بهره از دیدگاه های مختلف وجود دارد به شرح زیر است:

(الف) دیدگاه کلاسیک : نرخ بهره هزینه است که برای دریافت اعتبارات پرداخت می شود به عبارتی پولی که وام گیرنده بابت استفاده کردن پول

(ب) دیدگاه خانوار : جایزه به تعویق به انداختن مصرف خانوار است. بر اساس این دیدگاه نرخ بهره تفاوت بین مصرف امروز و پس انداز را نشان می دهد بدین معنا که هر فرد به خاطر نرخ بهره قدرت خرید و مصرف امروز را با قدرت خرید و مصرف آینده جایه جا میکند

(ج) بنگاه اقتصادی : نرخ بهره جذب سرمایه ، توسعه یا راه اندازی ساخت کالاها و ارائه خدمات متفاوت را در بنگاه اقتصادی توجیه می کند وظیفه نرخ بهره در بنگاه ها ایجاد تعادل در اقتصاد است (نرخ بهره نقش قیمت را برای بنگاه ها در تخصیص سرمایه ها دارد)

(د) اقتصادی : جبران هزینه تورم و هزینه ریسک فرصت سرمایه گذاری نرخ بهره نام دارد

نرخ بهره واقعی

نرخ بهره رابطه نزدیکی با تورم و سرمایه گذاری دارد برای تحلیل بازار ارز دو نوع نرخ بهره مورد بررسی قرار میگیرد:

نرخ بهره اسمی : نرخ مبادله یک واحد پول امروز با یک واحد پول در دوره مشخصی در آینده
نرخ بهره واقعی : نرخ مبادله کالا و خدمات در حال و آینده

$$\begin{aligned} \text{نرخ تورم انتظاری} + \text{نرخ بهره واقعی} &= \text{نرخ بهره اسمی} \\ \text{نرخ بهره اسمی} - \text{نرخ تورم انتظاری} &= \text{نرخ بهره واقعی} \\ \text{نرخ بهره اسمی} - \text{نرخ بهره واقعی} &= \text{نرخ تورم انتظاری} \end{aligned}$$

این سه فرمول در واقع یک چیز هستند و داده مهم نرخ بهره واقعی است) فرمول دوم : نرخ تورم انتظاری اگر از نرخ بهره اسمی کمتر شود نرخ بهره واقعی را نمایان میکند)

به طور کل هرچه نرخ بهره واقعی کشوری عدد بزرگتری را داشته باشد تقویت بیشتر برای ارز آن کشور انتظار میروند و هرچه نرخ بهره واقعی کشور عدد منفی بزرگتری داشته باشد تضعیف ارز محلی آن کشور انتظار میروند

نکته کلیدی : تقویت یا تضعیف ارز هر کشوری بر اساس نرخ بهره واقعی رابطه بسیار نزدیکی با بحث امنیت سرمایه گذاری نیز دارد چرا که اولویت اصلی امنیت سرمایه است و سپس نرخ بهره و سود برای جریان سرمایه حائز اهمیت پیدا میکند

رابطه نرخ بهره و تورم (مهمنترین رابطه)

نرخ تورم بالا رود از آنجا که نرخ بهره واقعی را پایین می آورد ارزش پول محلی را کاهش میدهد منتهی اگر بانک مرکزی با افزایش تورم، نرخ بهره اسمی را بالا ببرد بابت افزایش نرخ بهره واقعی تقویت ارز محلی انتظار می رود

در نقطه مقابل با کاسته شدن نرخ تورم از آنجا که نرخ بهره واقعی بالا میاد تقویت ارز محلی ایجاد میشود ولی اگر این پایین اومدن نرخ تورم باعث شود بانک مرکزی نرخ بهره اسمی را کاهش دهد با توجه به کاسته شدن نرخ بهره اسمی ، نرخ بهره واقعی نیز در نتیجه کاسته می شود و کاسته شدن نرخ بهره واقعی منجر به کاسته شدن ارزش نرخ ارز می شود

نکته کلیدی : هنگامی که نرخ بهره اسمی تغییر کند انتظار می رود بین دو تا حداکثر چهار هفته بابت تغییر در نرخ بهره واقعی تقویت یا تضعیف ارز

به وجود آید و اگر در حداقل چهار هفته پس از تغییر نرخ بهره واقعی تقویت یا تضعیف نرخ ارز بوجود نیلد عامل بنیادی دیگری مثل تولید ناخالص، اشتغال، تراز پرداخت یا یک بحران وجود داشته است که این عامل مهم را بی اثر کرده است و باید عامل مهم و مرکز توجه بازار به مانندمثال های فوق مورد بررسی قرار گیرد

أنواع نرخ بهره

نرخ بهره انواع مختلفی دارد که هر کدام در جایگاه خاص خود مورد استفاده قرار گیرد:

نکته کلیدی: نرخی که بانک های تجاری با این نرخ سود، سپرده در اختیار بانک مرکزی قرار می دهد **Deposit Facility**

نکته کلیدی: این نرخ به جز در موقع بحران های اقتصادی اهمیت کمتری نسبت به سایر نرخ ها برای تحلیل دارد **Refinancing Operations (REPO)**

نکته کلیدی: نرخ بهره پایه بانکی (نرخ بهره اسمی) می باشد **London Interbank Offer Rate (LIBOR)**

نکته کلیدی: نرخ بهره بین بانکی برای تحلیل بازار ارز از اهمیت ویژه ای برخوردار است

دلیل اهمیت نرخ بهره بین بانکی

نرخ بهره بانکی در کشورهای ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، انگلستان، کانادا، نیوزیلند و استرالیا هشت بار در سال و به صورت یک ماه نیم یکبار اعلام میشود و در ژاپن و سوئیس هر سه ماه یکبار، در نتیجه این اعلام دیر به دیر نرخ بهره کار را برای تحلیل مشکل می کند از این رو تحلیلگران به بررسی نرخ بهره بین بانکی (لایبور) می پردازند تا از تاخیر زمانی بکاهند در عین حال پیشرو برای نرخ بهره بین بانکی نسبت به نرخ بهره پایه بانکی به ترتیبی که بانک های تجاری سازنده نرخ لایبور قبل از آنکه بانک مرکزی نرخ بهره پایه بانکی را افزایش یا کاهش دهنند موجب می شود که نرخ بهره بین بانکی (لایبور) از اهمیت زیادی برای تحلیل برخوردار باشد

در تحلیل نرخ بهره بین بانکی نرخ های سه ماهه و یکساله ای که بانک ها به یکدیگر سرمایه وام می دهند از مابقی مهم تر هستند

نکته کلیدی: به ازای هر یک دهم درصد تغییرات در این شاخص انتظار میروند **:Libor - khkhkh's library**

نکته کلیدی: نرخ بهره پایه بانکی (اسمی) نیز به این دلیل بسیار مهم است که نرخ بهره واقعی را که تاثیر بسیار شدیدی بر نرخ ارز دارد را می سازد

برای دسترسی به نرخ لایبور می توانید به سایت های زیر مراجعه کنید:

www.ft.com

رفتار ارز ها در دوره های پایانی تغییر سیاست های پولی

در دوره های پایانی تغییر سیاست های پولی معمولاً تغییر عرضه و تقاضا را بر روی ارز ها برخلاف آنچه در دوره آغاز سیاست پولی ایجاد شده بود شاهد هستیم.

مثال: اگر بانک مرکزی یک کشور مدام نرخ بهره را افزایش دهد در جلسه که داخل گزارش نرخ بهره اعلام کند دیگر تمایلی برای افزایش نرخ بهره ندارد، این موضوع منجر به کاهش ارزش پول آن کشور می شود حتی اگر قبل از این اعلام نرخ ارز به شدت تمایل به تقویت را از خودنشان

به عقب افتادن سیاست های پولی انقباضی منجر به تضعیف ارز آن کشور می شود و به عقب افتادن سیاست های پولی انبساطی منجر به تقویت ارز آن کشور می شود.

بدین معنی که اگر قرار باشد بانک مرکزی یک کشور نرخ بهره خود را به خاطر تورم موجود از یک درصد بالاتر ببرد اما این سیاست ها را هام به تاخیر بیندازد با وجود اینکه سیاست افزایش نرخ بهره باید منجر به تقویت شود اما به دلیل تعویق افتادن این سیاست نرخ ارز محلی تضعیف می شود در عین حال توجه داشته باشید در صورت افزایش نرخ بهره روند حرکتی بازار برای آن ارز خاص بصورت آهسته و پیوسته به وجود می آید ولی در صورت کاهش نرخ بهره کاسته شدن ارزش ارز آن کشور به صورت ناگهانی و بسیار شدید خواهد بود.

وظایف معاملگر بازار ارز نسبت به تغییرات نرخ بهره

۱- پیش بینی نرخ بهره جهت بدست آوردن روند حرکتی جفت ارزها در دوره پیش رو در شرایطی که رشد اقتصادی و اشتغال کامل وجود داشته باشد و تورم از محدوده هدف خارج باشد نرخ بهره توسط بانک مرکزی افزایش پیدامیکند. با پیش بینی داده های کلان اقتصادی شرایط جایه جایی نرخ بهره یا دوره زمانی جایه جایی نرخ بهره برآورد و پیش بینی می شود در کوتاه مدت می توان از نرخ های بهره بین بانکی برای پیش بینی استفاده کرد

۲- تغییرات بازار اوراق قرضه و اثر گذاری بر روی نرخ بهره اوراق قرضه برگه های بهادری می باشد که تاریخ سر رسید بیشتر از یکسال داشته باشد اوراق قرضه برای بازار ارز و پیش بینی نرخ بهره مهم است که از طرف دولت و بانک مرکزی ارائه شده باشد. هرچه ارزش کوپن اوراق قرضه بزرگتر باشد ارزش واقعی پایین تر خواهد بود و بازار اوراق قرضه نزولی می شود و هرچه ارزش کوپن اوراق قرضه کوچکتر باشد ارزش واقعی قرضه بزرگتر می شود و بازار اوراق قرضه صعودی خواهد بود این بازار تحت تاثیر دو عامل جایی دارد:

(الف) تقاضا و عرضه اوراق قرضه

ب) نرخ های بهره در آن کشور یا میزان اعتبار و میزان اعیان مرجع صادر کننده اوراق قرضه

۳- بررسی وضعیت اقتصادی بر روی نرخ بهره در دوران رونق نرخ بهره افزایش و در دوران رکود نرخ بهره کاهش پیدا می کند این موضوع با تورم رابطه مستقیم دارد با تورم بالاتر از محدوده هدف بانک مرکزی نرخ بهره افزایش و با تورم پایین تر از محدوده هدف بانک مرکزی نرخ بهره کاهش پیدا می کند

۴- تاثیرات سایر بخش های اقتصادی بر نرخ بهره (بازار سهام)
با افزایش نرخ بهره شبیب روند صعودی بازار سهام کاهشی می شود و با کاسته شدن نرخ بهره شبیب روند نزولی بازار سهام کاسته می شود بازار سهام به عنوان دارایی پر ریسک شناخته و در نظر گرفته می شود توصیه می شود برای بررسی بازار سهام به نمودار و بازدهی شاخص داو جونز "Dow Jones" به عنوان بزرگترین بورس در دنیا استناد شود در کل بازار سهام با نرخ بهره رابطه مستقیم دارد بازار سهام پیشرو می باشد و نسبت به نرخ بهره زودتر حرکت میکند. تغییر روند صعودی بازار سهام به روند نزولی نشانه ای از کاسته شدن نرخ بهره می باشد (تغییر سیاست پولی به وسیله نرخ بهره) و تغییر روند نزولی به صعودی نشانه دیگری از تغییر سیاست های پولی می باشد در کل در صورت صعودی بودن بازار سهام نشانه ای از ریسک پذیری را داریم و در صورت نزولی بودن بازار سهام نشانه ای ریسک گریزی را داریم

رو به جلو و صعودی بودن بازار سهام نشانه ریسک پذیری و نزولی بودن بازار سهام نشانه ریسک گریزی است در ریسک پذیری باید در حرکات اصلاحی و بازگشت ها وارد معامله شد اما در ریسک گریزی باید با شکسته شدن حمایت یا مقاومت های مهم و در قیمت های جاری وارد معامله شد

نکته: معمولاً قبل از اعلام اخبار و گزارظه های مهم اقتصادی در ایالات متحده آمریکا به مانند اخبار اشتغال شرایط و نحوه جرکت بازار سهام و قیمت طلا نشانه های مناسبی برای پیش بینی بازار ارز نسبت به خبر مورد انتظار هستند. اگر بازار سهام قبل از خبر افزایشی باشد نشانه تقویت و مثبت اعلام شدن داده اشتغال برای ایالات متحده است و اگر بازار سهام قبل از اعلام خبر نزولی باشد این موضوع نشانه از نامناسب بودن داده استغال برای ایالات متحده است

چگونگی تاثیر نرخ بهره در بازار ارز

۱. دیدگاه پایه ای و داخلی : شرایط رونق و رکود بر اساس نرخ بهره چگونه است و به طور تاریخی نرخ بهره آن کشور در چه جایگاهی قرار داشته است
۲. دیدگاه جایه جایی : به ازای یک درصد جایه جایی نرخ بهره واقعی حداقل ۱۰۰۰ پوینت جایه جایی نرخ ارز وجود دارد که حداکثر در مدت یک ماه باید روند تقویت یا تضعیف این ۱۰۰۰ پوینت آغاز شود
۳. برآورد جایه جایی نرخ بهره در آینده بر پایه داده های فعلی (رشد اقتصادی ، تورم ، اشتغال ، سهام و اوراق قرضه)

نظریات باتک مرکزی در گزارش نرخ بهره

الف- لحن یا دیدگاه بدینانه : اخطارهایی را در مورد شرایط اقتصادی را اعلام می کند این لحن منجر به سیاست انساطی خواهد شد و این سیاست منجر به تضعیف ارز محلی منحر می شود در مورد تغییرات نرخ ارز هر اولویتی که مد نظر بانک مرکزی باشد می تواند اولویت بازار ارز نیز قرار بگیرد.

ب- لحن یا دیدگاه ممتنع یا متعادل بانک مرکزی: این نوع لحن هیچ دیدگاه خاصی را منتقل نمیکند و همه چیز را به اینده ارجاء می دهد و باعث می شود تغییرات قیمت حتی اگر بر اساس این گزارش بوجود می آید پایدار و ادامه دار نباشد این لحن را در موافقی بانک های مرکزی اعلام میکنند که نه بحرانی وجود داشته باشد و نه هیچ کدام از خبرهای مهم اقتصادی مانند نرخ تولید ناخالص داخلی ، تورم و نرخ شاتغال تغییی محسوسی نداشته باشد.

ج- لحن یا دیدگاه مثبت یا متعادل بانک مرکزی: بر اساس شرایط اقتصادی مناسب این دیدگاه لبعث می شود اولویت ساخت گذاران بانک مرکزی تورم باشد. معمولاً پس از ۲ یا ۳ بار خلاصه گزارش مثبت به احتمال فراوان نرخ بهره افزایش پیدا می کند. افزایش نرخ بهره بین کشورهای صنعتی معمولاً بر اساس رویه زیر است.

ابتدا کشورهای تورمی نرخ بهره را افزایش می دهند و سپس کشورهایی که تورم ندارند نرخ بهره را افزایش می دهند. به عنوان نمونه به ترتیب استرالیا ، نیوزلند ، انگلستان ، اروپا ، سوئیس ، آمریکا ، ژاپن تغییر نرخ بهره می دهند.

د- سخنرانی و نظرات مقامات ارشد : رئیس جمهور یا بالاترین مقام اجرایی دولت ، قنط سخنرانی هایی از طرف رئیس جمهور یا نخست وزیر برای ارز مهم است که در حیطه مسائل اقتصادی باشد

رئیس بانک مرکزی : سخنرانی روسای بانک مرکزی برای بازار ارز حائز اهمیت است دلیل این موضوع دیدگاه و چشم انداز است که این افراد در صحبت های خود در مورد سیاست های اقتصادی به بازار انتقال می دهند. در ایالات متحده و انگلستان سخنرانی رئیس بانک مرکزی در پاسخ به نمایندگان مجلس در مورد سیاست های اقتصادی برای بازار مهم است در اتحادیه اروپا سخنرانی رئیس بانک مرکزی در جلسه اطلاع رسانی بعد از انتشار نرخ بهره مهم است. در عین حال صحبت ها ، اظهارنظرها و سخنرانی روسای بانک های مرکزی در زمان های دیگر نیز می تواند بسیار در بازار ارز تاثیرگذار باشد

جمع بندی و اولویت های بررسی بازار ارز

بارها در تاپیک پوزیشن های بلومبرگی در این باره سخن گفتیم ، این آخرین پست در زمینه آموزشی فاندامنتال در این تپیک می باشد علاوه بر اینکه در آخر یک فایل تکمیلی برای معرفی شاخص های اقتصادی گذاشته خواهد شد زمان هایی بسیاری پیش می اید که داده های مختلف بنیادی با یکدیگر منتشر می شوند و تحلیلگر نمی داند که بر اساس کدام داده تصمیم گوی انجام دهد.

اولویت های زیر که بر اساس درجه اهمیت آورده شده اند مشخص می کنند در هر دوره ای به چه داده هایی اهمیت داده شود و اگر آن داده و شرایط وجود نداشت به سراغ داده بعدی رفت

۱- بررسی شرایط ریسک پذیری و ریسک گریزی

ریسک پذیری و ریسک گریزی مهمترین عامل بنیادی تاثیر گذار بر نرخ ارزهاست این عامل در سطح جهانی آنقدر برای ارزهای اصلی حائز اهمیت است که بر اخبار و داده های داخلی نیز تاثیر می گذارد

۲- داده های بازدهی و بهره

اگر هیچ کدام از شرایط ریسک پذیری و ریسک گریزی وجود نداشت و ارزها بر حسب ماهیتشان در ریسک پذیری و ریسک گریزی حرکت نمیکردند می توان انتظار داشت که داده های مهمی که در زیر به آنها اشاره می شود اولویت بازار باشند. این اولویت ها عبارتند از:

نرخ بهره پایه بانکی (نرخ بهره واقعی)
سیاست انقباضی - سیاست انبساطی
بازدهی

این اولویت ها در صورت وجود نداشتن شرایط ریسک پذیری و ریسک گریزی بسیار برای بازار ارز حائز اهمیت هستند و منجر به جایه جایی قیمت می شوند و می توان گفت که اولویت بازار پس از ریسک پذیری و ریسک گریزی هستند

۳- شرایط کلان اقتصادی

در صورتی که دو اولویت قبلی در شرایط تحلیل بازار تغییری نداشتند و اخبار ، گزارش ها یا داده ای که نشان تغییر آنها باشد منتشر نشده بود اولویت بازار بررسی شرایط اقتصاد کلان می شود.

در این قسمت شرایط و عواملی که بر اقتصاد کلان یک کشور اثر گذار هستند مورد بررسی قرار می گیرند این عوامل همانطور که در گذشته اشاره شده بود شامل:

(GDP) رشد اقتصادی
(Inflation) تورم
(Unemployment Rate) اشتغال

این سه عامل و هر خبری که در زیر مجموعه آنها قرار داشته باشد می تواند سومین اولویت بررسی بازار ارز باشد

تراز پرداخت ها چهارمین عاملی است که می تواند بر نرخ ارز تاثیرگذار باشد این عامل در صورتی به عنوان اولویت تحلیلی مورد بررسی قرار میگیرد که سه عامل قبلی تغییر محسوسی نداشته باشند

اصطلاحا بازارهای جهانی و اقتصاد کشورهای پیشرفته در وضعیت ثبات قرار داشته باشند در این حالت تراز پرداخت ها و خالص مقدار پولی که به یک کشور وارد یا از یک کشور به هر دلیل خارج می شود برای بازار ارز حائز اهمیت می شود